



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# پناهگاه

نویسنده:

علیرضا ملازاده تقی پور

ناشر چاپی:

استوار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	پناهگاه
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۴	سر انجام غفلت از امام
۱۶	غیبت امام عصر امتحان بزرگ الهی
۱۸	الف: بلاهای دینی
۲۲	بلاهای دنیوی
۲۷	حوادث غیبت صغری
۳۲	ثابت قدمان
۳۴	کفران نعمت ولایت
۳۸	انتظار فرج کلید نجات
۴۸	در جستجوی پناهگاهی امن
۵۶	تبیین فرهنگ انتظار
۵۸	وظیفه بزرگان دین
۶۳	نکته مهم
۶۳	بداء از اعتقادات ضروری مؤمنان
۶۸	معرفت به امام، شاه کلید نجات
۷۲	دوست داشتن همراه با عمل
۷۵	امام حسین (علیه السلام) کشتی نجات
۷۹	عظمت گریه بر سید الشهداء (علیه السلام)
۸۴	غم های امام عصر (علیه السلام)
۸۵	نکته بسیار مهم

۸۷ ..... پناهگاهی به نام امام عصر (علیه السلام)

۸۹ ..... ترویج فرهنگ دعا برای ظهور

۹۵ ..... منابع و مآخذ

۱۰۴ ..... درباره مرکز

مشخصات کتاب

شابک: 978\_600\_415\_116\_0

شماره کتاب شناسی ملی:

عنوان و نام پدیدآور: پناهگاه / علی تقی پور

ویراستار: مهندس بهلولی، محسن حسینی

مشخصات نشر: استوار

مشخصات ظاهری: 96ص.رقعی

یادداشت: کتاب نامه.

موضوع:

موضوع:

موضوع:

رده بندی دیویی:

رده بندی کنگره:

سرشناسه: تقی پور، علی، 1335 -

وضعیت فهرست نویسی: فیا

نام کتاب: پناهگاه

مؤلف: علی تقی پور

حروف چینی:

ویراستار: مهندس بهلولی، محسن حسینی

نوبت چاپ:

ناشر: استوار

شابک: 978\_600\_415\_116\_0

شمارگان: نسخه

قیمت: تومان

کلیه حقوق چاپ برای ناشر محفوظ است.

ص: 1

**اشاره**

بسم الله الرحمن الرحيم

يا صاحب الزمان



پناہگاہ

علی تقی پور

ص: 3



سر انجام غفلت از امام 1

غیبت امام عصر امتحان بزرگ الهی 3

الف: بلاهای دینی: 5

بلاهای دنیوی: 9

حوادث غیبت صغری 14

ثابت قدمان 19

کفران نعمت ولایت 21

انتظار فرج کلید نجات 25

در جستجوی پناهگاهی امن 35

تبیین فرهنگ انتظار 43

وظیفه بزرگان دین 45

نکته‌ی مهم 50

بداء از اعتقادات ضروری مؤمنان 50

معرفت به امام، شاه کلید نجات 55

دوست داشتن همراه با عمل 59

امام حسین (علیه السلام) کشتی نجات 62

عظمت گریه بر سید الشهداء (علیه السلام) 66

غم های امام عصر (علیه السلام) 71

نکته بسیار مهم 72

پناهگاهی به نام امام عصر (علیه السلام) 74

ترویج فرهنگ دعا برای ظهور 76

منابع و مآخذ 82

ص: 6

موضوع این بحث پرداختن به علل غفلت از امام یا رهبر الهی و عوارض و ضایعات ناشی از سپری کردن دوران زندگانی بدون توجه به این شخصیت ملکوتی که همه متابعت‌ها و بندگی‌ها و محبت‌ها باید به سوی ایشان باشد. (1) ما را بر این داشت تا قلم را به سوی چنین مطلب مهمی کشانده و راه‌های خروج از ظلمت و راهیابی به سوی نور و سعادت بنا بر کلام معصومین (علیهم السلام) را مرقوم سازیم.

اولین سوالی که در ذهن متبادر می‌گردد آنست که چرا غیبت امام (علیه السلام) توجه و فکر ما و بزرگان دین را معطوف به این فاجعه جبران‌ناپذیر و ضایعه سنگین

ص: 1

---

1- که طبق روایات این انقیاد و تسلیم را بزرگترین عبادت حق تعالی شمرده‌اند.

نمی گرداند؟!!!

چرا برای رهایی از این قفس همگانی که در واقع ما و همه بشریت را در زندانی مخوف و دهشتناک به نام دنیا اسیر کرده است چاره ای نمی جوئیم؟ چرا اهمیت و بزرگی این مطلب که از امتحانات عظیم الهی است از سوی همگان مورد بی توجهی قرار می گیرد؟

تمام همّت ابلیس ملعون و لشکریانش بر این است که عوارض وحشتناک زمان غیبت را در بلاهای زمینی و آسمانی و کمبودهای مادی و معنوی پیچیده شده است برای بشریت مخصوصاً مؤمنان به صورت طبیعی و عادی جلوه دهند و بدون در نظر گرفتن این امتحان عظیم الهی به زندگی روزمره خویش ادامه می دهیم.

بدون اینکه لحظاتی به فکر فرو برویم که ما هم دارای امامی هستیم و باید با او مرتبط گردیم (1) و بستر و زمینهی تشریف فرمایی او را فراهم سازیم و نبود و غیبت این وجود گرامی را امتحانی بزرگ از ناحیه خدا بدانیم.

ص: 2

---

1- که آیه 200 از سورهی آل عمران اشاره به این مطلب دارد.

## غیبت امام عصر امتحان بزرگ الهی

معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشَّيْعَةَ. (1)

خدای عزوجل دوست دارد که شیعیان امتحان شوند.

إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ غَيْبَةٍ... إِنَّهَا هِيَ مِحْنَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اِمْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ. (2)

همانا قطعاً صاحب این امر غیبتی دارد... این امر چیزی نیست جز امتحان از جانب خدای عزوجل که آفریدگانش را به این وسیله آزمایش کند.

متأسفانه از شروع غیبت صغری تا به امروز اکثریت مردود شدگان در این امتحان عظیم الهی مبتلایان به فتنه های بزرگ و عجیب بودند. ایجادکنندگان این آشوب ها و بلواها ایادی شیاطین هستند که به نام دین و یا مهدویت پرچم هایی را برافراشتند و

ص: 3

---

1- اصول کافی کتاب الحجّة باب فی الغیبة، ح 5 - نقل از کتاب راز پنهان و رمز پیدائی.

2- اصول کافی کتاب الحجّة باب فی الغیبة ح 2.

غالب مردم نیز ذیل چنین بیهوشی جمع گشته و به هلاکت رسیدند و تا قیام حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این امتحانات ادامه خواهد داشت.

یکی از دلایل مهم امر غیبت این بوده است که حق تعالی ما را بیازماید (البته اسرار دیگر هم وجود دارد که از دلایل غیبت است)

و بر اساس حکمت بالغه و اسرار حکیمانه، خدای تعالی جامه تسلیم و صبر را بر امام زمان (علیه السلام) پوشانیدند تا این امتحان بزرگ الهی در این عصرها و قرنهای مؤمنین به اجرا درآید هدف از این امتحان از برای شیعیان این بود تا خالص ها از ناخالص ها جدا گردند. امام باقر (علیه السلام) فرموده اند:

وَ اللَّهُ لَتَمَيِّزَنَّ، وَ اللَّهُ لَتَمَحِّصَنَّ، وَ اللَّهُ لَتَعْرَبُلَنَّ كَمَا يُعْرَبُلُ الزُّوَانُ مِنَ الْقَمَحِ. (1)

سوگند به خدا آزموده می شوید، امتحان می شوید، غربال می شوید، آن سان که گندم غربال می شود و از الک جدا می گردد.

ص: 4

---

1- یوم الخلاص، ج 1، ص 366 از بحار الأنوار، ج 52، ص 115 - غیبت نعمانی، ص 8 و 112 - الزام الناصب، ص 79.

## الف: بلاهای دینی

امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرمایند:

أَمَّا إِنَّ لَوْلَدِي غَيْبَةً يَرْتَابُ فِيهَا النَّاسُ... (1)

برای مهدی (علیه السلام) فرزند من غیبتی هست که مردم دچار شک و تردید می گردند به جز کسی که خدا او را از لغزش و انحراف باز دارد.

و در ادامه می فرمایند:

أَمَّا إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ.

در آن غیبت، نادانها و جاهلان دچار سرگردانی می شوند.

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند:

تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ حَتَّى يَضِلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ. (2)

برای او (مهدی (علیه السلام)) غیبت و حیرتی هست که خلائق از دین خود بر می گردند و گمراه می شوند.

ص: 5

---

1- یوم الخلاص، ج 1، ص 345 - الزام الناصب، ص 104 - بحار الأنوار، ج 51، ص 160 - اعلام الوری، ص 415 - منتخب الاثر، ص 227.

2- بحار الأنوار، ج 51، ص 72.

جای بسیار شگفتی است، آنهایی که مؤمن و اهل تدبیر هستند و به وجود گرامی امام و به امر غیبت اعتقاد دارند از عقیده خود دست بر می دارند.

امام عسکری (علیه السلام) می فرماید:

حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ فَلَا يَتَّقِي... (1)

تا اکثر آنها که به این امر (غیبت) اعتقاد داشتند از آن بر می گردند...

موضوع بسیار مهم این است که اهل دین و ایمان که این نوع روایات را ملاحظه می فرمایند نباید خود را مستثنی از این هشدارها و رهنمودها قرار دهند و فکر کنند از این دسته نیستند اگر توجه داشته باشیم و با دقت ملاحظه کنیم درست این روایات به بنده و شمایی تعلق می گیرد که سنگ محبت و ولایت را به سینه میزنیم و واقعاً هم معتقد به وجود گرامی ایشان هستیم.

متأسفانه بر اثر امتحانات شخصی و همگانی بر اثر طوفان سهمگین حوادث که بر اثر قحطی، جنگ، مریضی و فقر و... به وجود می آید از این اعتقاد شریف

ص: 6

---

1- کشف الغمّه، ج3، ص316 و اعلام الوری، ص412.

دست بر می دارند که در تفسیر آیه:

(وَلَنْبَلُونَكُمْ بِشْيٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنُقْصٍ) (1)

امتحان می کنیم شما را قبل از خروج قائم «بشی من الخوف» یعنی به وسیله ی پادشاهان بنی فلان در آخر سلطنت آنها «والجوع» یعنی گرانی نرخها و «نقص من الأموال» یعنی کسادى تجارت و کاسبى و كمى درآمد «والانفس» یعنی مرگ های پی در پی و ناگهانی «والثمرات» یعنی با كمى رشد زراعت «و بشر الصابرين» و بشارت باد برای صبر کنندگان. (2)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند:

أَوْ كَالْقَابِضِ عَلَى جَمْرِ الْغَضَا! (3)

در آخر الزمان دینداری سخت تر از داشتن آتش گداخته در کف دست می باشد.

و سختی دین به فتنه های پی در پی است که حق و باطل را شیطان ملعون به هم آمیخته می کند که مردم در آخر الزمان بر اثر آشوب و فتنه ها و شدائد روزگار

ص: 7

---

1- بقره: آیه 155.

2- یوم الخلاص، ج 1، ص 342.

3- بحار الأنوار، ج 52، ص 124 - منتخب الأثر، ص 515 - الزام الناصب، ص 137.

مورد تهاجم القنات و افکار شیطانی قرار می گیرند و با تندبادهای و طوفان فتنه ها، درخت ایمان از ریشه و بُن کنده خواهد شد.

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

تصبح طهران قصورها كقصور الجنة و نسوانها كاحور العين يتلبسن بلباس الكفار و يتزيين بزى الجبارة يركبن السروج ولا يتمكنن لاوزاجهن ولا تكفى مكاسب الازواج لهن!!.. فرؤوا منها الى قلة الجبال و من الحُجر الى الحُجر كالثعلب بأشباهه!!!

تهران به حدی می رسد که کاخ هایش چون کاخ های بهشتی شود و زنانش چون حورالعین باشند. جامه کافران را بپوشند، خود را به شکل مستکبران در آورند، بر زینها سوار شوند، به همسران خود تمکین نکنند و درآمد شوهرانشان آنها را کفاف ندهد!

از آنها به قلّه کوه ها فرار کنید همانند رویاهی که بچه های خود را برداشته و از لانه ای به لانه ای می گریزد، کودکان خود را برداشته، از پناهگاهی به پناهگاهی بگریزد!! (1)

معصوم (علیه السلام) می فرماید:

تاتى فتنة تدعى الحالقة، تحلق الدين، يهلك فيها صريحُ العرب، و صالحُ الموالى، و اصحابُ الكفر و الفقهاء و تنجلى عن اقل من القليل. (2)

ص: 8

---

1- غیبت نعمانی، ص 144، بحار الأنوار، ج 52، ص 182.

2- يوم الخلاص، ج 2، ص 961، از الملاحم و الفتن، ص 29.

فتنه ای ویرانگر پدید آید که به آن فتنه خانمان برانداز گویند، دین و آیین را ریشه کن می سازد، عرب اصیل، صالحان از موالیان (ظاهراً ایرانیان) فقها و کفار در این فتنه کشته می شوند، جز افراد اندکی از این ورطه هلاکت رهایی نیابند.

## بلاهای دنیوی

در اینجا لازم است برای آگاهی و یقین به نابسامان بودن وضعیت دنیا در این برهه از زمان به چند روایت که حاکی از پدید آمدن حوادث در آخرالزمان است بسنده نماییم.

ستكون فتنة لا يهدأ منها جانب إلا جأش فيها جانب حتى يُنادي مُنادٍ من السماء: ان اميركم فلان (1)

به ناگزیر فتنه ای پدید خواهد آمد که هرگاه در نقطه ای آرامش پیدا شود و در نقطه ای دیگر ناآرامی شروع می گردد و این چنین ادامه مییابد، تا وقتی که منادی آسمان بانگ برآورد: امیر شما فلانی (حضرت مهدی (علیه السلام)) است.

تا به امروز هر انسانی پا به عرصه خاکی گذاشت به انواع و اقسام بدبختی ها

ص: 9

---

1- يوم الخلاص، ج2، ص895 از منتخب الاثر، ص451- بشارة الاسلام، ص177.

و گرفتاری ها دچار گشت و کسی مستثنی از این مشکلات نبوده و نیست و نهایتاً من از گرفتاری شما و دیگران از مشکلات من مطلع نیستند و بر اساس ظاهر و چهره خندان همدیگر، قضاوت های اشتباه صورت می گیرد و مسلماً هر کس اگر از بلاها و گرفتاری های دیگری آگاه شود حاضر نیست با تمام مشکلات عدیده خود، جایش را با طرف مقابل عوض نماید.

از جمله فتنه های مهم آنست که می فرماید:

و یومئذ یكون اختلاف کثیر فی الارض و فتن و یصبح الزمان مکلیحاً مفصحاً، یشد فیہ البلاد و ینقطع فیہ الرجاء. (1)

آن روز اختلافات و فتنه ها فراوان گردد، سختی، قحطی و خشکسالی زمانه را فراگیرد، شهرها در تنگنا افتند و امیدها قطع شود.

این نوع خبرها نشان از سقوط و حرکت روز به روز به سوی جنگ، قحطی و بیماری و مرگ است و یقین ما را به این مطلب می رساند که تا امام زمان (علیه السلام) تشریف نیاورند تاریکی این شب ظلمانی به روز خندان تبدیل نخواهد گشت و امیدی به هیچ کس و هیچ چیز از برای رهایی از خونریزی ها و جنایت ها و

ص: 10

فسادهای کشورهای شرق و غرب نیست و خواه ناخواه منتظر بلاها باید بود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند:

ينزل على أمتي بلاء لم يسمع ببلاء أشد منه حتى تضيق بهم الأرض الرحبة. (1)

بر امت من بلائی نازل می شود که بلائی سخت تر از آن شنیده نشده است، زمین با این همه وسعت بر آنها تنگ می شود.

صرف نظر از قضیه امتحان عصر غیبت و این که به عنوان یک امر واجب و تکلیف ضروری، آیا حدّ اقل نباید برای رهایی از این همه گرفتاری های حال و آینده و یا برای بهتر زیست نمودن چاره ای بیاندیشیم؟ و خود و جامعه را از این مهلکه و زندان نجات دهیم و اگر برای رهایی از حوادث و بلاها مخصوصاً در عصر سلاح های هسته ای در پی چاره جویی نباشیم با تمام کمالات و بزرگی دارای اعمال صالحه و تقوا، آیا می توان ما را عاقل نام نهاد؟ چون عقل سالم حکم می کند برای رهایی از بدبختی ها که روز به روز فزونتتر و نهایتاً به اینجا

ص: 11

---

1- یوم الخلاص، ج 2، ص 891، از المهدی، ص 221.

کشیده می شود چاره ای اندیشید.

معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

فتنه ای (عظیم) جهان را مضطرب خواهد کرد... مردم تلخی حوادث و فشار آشوب را آنچنان لمس خواهند کرد همانند پوست به هنگام دباغی شدن، فشار و شدت را لمس می کند و کسی جرأت و قدرت یک کلمه سخن گفتن را نخواهد داشت! این فتنه در نقطه ای آرام نمی یابد جز پس از آنکه در نقطه ای دیگر بیداد کند. (1)

با این روایت و با نگرش بر صفحه روزگار و سیطره ابرقدرت ها هیچ تردیدی نیست که در آستانه فتنه های عظیم و جنگ های خانمان سوز واقع خواهیم گشت. معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

او هنگامی ظاهر می شود که... حوادث پیاپی واقع می شود.

فدحت الحوادث و نفث التّوافث و هجم الوابث... یفتحون العراق. (2)

حوادث جانکاه و کمرشکن روی دهد؛ شکانده ها بشکافند و پیش بتازند؛ تیز پروازان حمله کنند... و عراق را فتح کنند.

پس ای جان برادر، دل خوش مدار شاید از این پس جهان روی صلح و آسایش

ص: 12

---

1- یوم الخلاص، ج 2، ص 897، از الملاحم و الفتن، ص 17.

2- یوم الخلاص، ج 2، ص 686 از بشارة الاسلام، ص 26.

خرمی را ببند، چنانکه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

لَا يَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ إِلَّا الَّذِي بَعْدَهُ شَرٌّ مِنْهُ! (1)

هیچ زمانی پیش نمی آید جز اینکه زمان بعدی بدتر از آن است.

شدت این حوادث آنچنان زیاد است که امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ فِتْنَةِ صَمَاءَ صَيْلِمٍ يَسْقُطُ فِيهَا كُلُّ بَطَانَةٍ وَوَلِيَجِيَةِ. (2)

برای مردمان فتنه ای کوبنده و آشوبی کمر شکن است که پرده ها برداشته می شود دوستی ها و خویشاوندی ها از بین می رود.

و نهایتاً ختم این امر طبق فرمایش معصوم (علیه السلام) چنین است:

لِيَأْتِيَنَّ عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَأْتِي الرَّجُلَ الْقَبْرَ فَيَقُولُ: يَا لَيْتَنِي مَكَانَ هَذَا مِنْ شِدَّةِ مَا يَرَى مِنَ الْبَلَاءِ. (3)

برای مردم زمانی پیش آید که در اثر شدت بلاها به قبرستان رفته و در کنار قبری نشسته می گوید: ای کاش اینجا من آرمیده بودم.

ص: 13

---

1- يوم الخلاص، ج 2، ص 701.

2- غيبت نعمانی، ص 94 - عيون الأخبار، ج 2، ص 6 - بحار الأنوار، ج 51، ص 155.

3- كشف الغمّه، ج 3، ص 272 - البيان، ص 83 - بشارة الاسلام، ص 292 - الزاما الناصب، ص 52.

در روایت آمده است:

وَرَأَيْتَ الْخَرَابَ قَدْ أُدِيلَ مِنَ الْعُمَرَانِ.

می بینی که در تمام جهان آبادی ها تبدیل به ویرانی می شود.

در روایت است:

که پیش از آن امر (ظهور) کشتار بسیار داغی (بیوح) رخ می دهد.

از امام (علیه السلام) پرسیدند که بیوح به چه معناست؟ فرمودند:

کشتار مداومی که سرد نشود و از حدّت و شدّت آن کاسته نشود. (1)

### حوادث غیبت صغری

ما برای آماده شدن برای حوادث آخرالزمان مروری اجمالی خواهیم داشت بر حوادثی تاریخی که حدود هفتاد سال در غیبت صغری رخ داد که از جمله آن ادعای وکالت دروغین می باشد. دوران غیبت صغری از زمان معتمد عباسی شروع شد. او معاصر با حضرت عسکری (علیه السلام) بود و به دستور آن ملعون هم حضرت مسموم شد. او تا سال دویست و هفتاد و نه هجری حکومت کرد. بعد از او معتضد عباسی تا سال

ص: 14

---

1- و این پیشگویی هم نموداری از پایتخت کشورمان که امروزه تحقّق یافته است.

دویست و هشتاد و نه هجری حاکمیت داشت. دوران معتضد زمان عجیبی بود. او ظاهراً سعی می کرد تمام علویین را از خودش خشنود کند. خیلی امر را بر آنها آسان گرفته بود و آنها را تأیید می کرد.

حتی آورده اند زمانی مقداری پول به وسیله شخصی در بغداد وارد شد و در بین آل ابی طالب به طور مخفیانه پخش گردیده بود خبر به خلیفه رسید و او شخص صاحب مال را احضار کرد و به او گفت: چرا این اموال را مخفیانه می آوری و بین آل ابی طالب تقسیم می کنی؟ این کار را علناً بکن من نه تنها ناراحت نمی شوم بلکه خیلی خوشحال هم می شوم به اینان کمک کن. به فقرایشان رسیدگی کن و او، خود نیز برای رفاه علویون دستوراتی صادر کرد. در زمان معتضد و به دستور خود او نام های تنظیم شد که در آن با حکام بنی امیه و جنایات آنها مخالفت گردید و در مقابل تمام آیات و روایاتی که در فضائل محمد و آل محمد (علیهم السلام) شایع و مشهور بود در آن ذکر گردید و او دستور داد که در تمام نمازهای جمعه در همه بلاد اسلامی این نامه خوانده شود. همچنین لعن بر معاویه بن ابی سفیان

ص: 15

را مشهور و رایج نمود. با یک چنین فعالیتی برای اهل بیت (علیهم السلام) و شیعیان‌شان هیچ گونه تأیید یا دخالتی از ناحیه مقدّس سفیر خاصّ امام (علیه السلام) برای او انجام نگرفت.

در مقطعی حکومتی بنام قرامطه پدید آمد که کارش خون ریختن و چپاولگری بود و اینها از دو دسته مبارکیه و اسماعیلیه پیدا شدند و قائل به شش امام بودند و محمد بن اسماعیل پسر حضرت صادق (علیه السلام) را امام قائم می دانستند. گویا از مهدی مغربی هم تبعیت می کردند و این اسامی را برای او گذاشته بودند «قائم مهدی»، «رسول» «حی لایموت»، و در بلاد روم فعالیت زیادی داشتند و می گفتند که قائم و مبعوث به رسالت است و شرع جدیدی خواهد آورد که شرع حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله وسلم) را نسخ می کند و او را اولوالعزم می شمردند و پیغمبران اولوالعزم را حضرت نوح (علیه السلام)، حضرت ابراهیم (علیه السلام)، حضرت موسی (علیه السلام) و حضرت عیسی (علیه السلام) و حضرت محمّد (صلی الله علیه و آله وسلم) و محمّد بن اسماعیل می دانستند و می گفتند خاتم الانبیائی که در قرآن آمده همین محمّد بن اسماعیل است و این رویداد در

دوران غیبت صغرای امام عصر (علیه السلام) رخ داده بود.

و در زمانی کسی به نام صاحب الزنج پیدا شد و از ناحیه آنها صدمات زیادی بر پیکره اسلام و مسلمین وارد شد و قتل و غارت آنها در تاریخ بی نظیر بوده است، آنها معتقد بودند آنچه خدا در قرآن واجب فرموده و دستور داده ظاهر و باطنی دارد. باطن آنها را رسالت و حجّیت و امامت همین محمد بن اسماعیل می دانستند و ظاهرش را هر کسی اخذ کند هلاک شود. از این جهت آنها را باطنیه می نامیدند، آنان قافله های حجّاج را می کشتند و اموالشان را غارت می کردند. عراق، سوریه، بحرین را تحت تصرّف خود در آوردند و خونریزی های زیادی به راه انداختند.

و در برهه ای شخص دیگری ادّعی مهدویت کرد.

این شخص در شمال آفریقا، تونس، لیبی و الجزایر حکومت کرد و تصمیم گرفت که لشکرکشی کند و مصر را هم بگیرد. دو حمله بزرگ کرد و در دو جنگ شکست خورد؛ ولی در عین حال مقداری از مغرب را تحت تصرّف خود گرفت

ص: 17

از این جهت او را مهدی مغربی نامیدند و شهر بسیار محکمی ساخت به نام مهدیه و آن را پایتخت خود قرار داد دیوارها و دروازه های بسیار محکمی بنا کرد. پس از آن فوت کرد و فرزندش که به نام قائم ملقب شده بود به جانشینی پدر رسید و پس از مدتی سلطنت، او هم مرد.

در زمانی دیگر شخصی به نام ابی طاهر سلیمان بن ابی سعید قرمطی قیام کرد و کشتار و غارت زیادی نمود و اموال و زنان و بچه ها را به اسیری می گرفت. به شهر کوفه هجوم آوردند و از رویدادهای عجیبی که در تاریخ نقل گشته، آن است که در بصره مردم زیادی را کشت و هر کس را در حال فرار می گرفتند به دریا می افکندند و در سالهای مختلف هجوم به قافله های حجّاج می بردند اوضاع به گونه ای شده بود که قافله های بسیار بزرگ که از خراسان برای حج حرکت کرده بود به آنها حمله ور شدند و همه را کشتند و اموالشان را ربودند تا اینکه در سال سیصد و سیزده هجری قانون مالیاتی وضع نموده و مقرّر کردند که هر کس قصد حج دارد باید این مبلغ را به آنها پرداخت کند. در سیصد و هفده به مکه هجوم بردند و در مسجد الحرام قتل و غارت زیادی کردند. هر کس را توانستند

در آنجا کشتند و تمام کشته ها را در چاه زمزم انداختند. حجرالاسود را از مکان اصلی اش کردند و با خود بردند. پرده کعبه را با کمال جسارت و بی احترامی برداشتند و بین خودشان تقسیم کردند و بعدها سلطان دیگری حجرالاسود را پس از نوزده یا بیست سال از آنها گرفت و بر سر جایش برگردانید. (1)

## ثابت قدمان

اینگونه اتفاقات و حوادث ناگوار آن هم به نام دین که باعث آزار و شکنجه و کشتار مسلمین گشته بود همه بخاطر غفلت از امام و فراموش کردن نعمت عظمای ولایت امام مهدی (علیه السلام) بوده در این راستا عده ای قلبی هم که به لحاظ اعتقادی محفوظ و ثابت قدم ماندند و در امتحان بزرگ غیبت چشم از همه پرچم ها و مدعیان و هیاهوها پوشیدند و تمام فکر و حواسشان را معطوف به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود گردانیدند به وسیله ارتباط قلبی و استغاثه به حجت خدا، بلاها را از خود دفع

ص: 19

---

1- تاریخ الغیبة الصغری، ص 346 به نقل از المصدر، ص 133 - انظر النوبختی، ص 74 - المصدر ص 53.

می نمودند و به سلامت تحت عنایات خاصّه مولایشان جان سالم به در بردند و به سعادت در دنیا و آخرت رسیدند که در صدر آنها کاملین و بزرگان دین سفرای چهارگانه امام زمان (علیه السلام) بودند که در هیچ یک از این حوادث نقش و تصرّفی و حرکتی نداشتند جز به دادرسی و ترمیم امور خصوصی، معنوی و اعتقادی شیعیان و تنها محل و پل ارتباطی شیعیان با امام زمانشان بودند زیرا چنین بزرگانی آموخته بودند که تنها پناهگاهی که می تواند آنها را در هر حادثه ای حفظ کند همانا فقط یاد و توجه به امام زمان (علیه السلام) است روش سفرای خاص فراروی متفکران و عالمان دین و توجه آنان به سوی امام غائب بوده بنابراین مؤمنان باید بدانند که مقصود حق تعالی از غیبت این بوده تا در نبود امام آیا کسی مثل سفرای اربعه و مریدانشان افکار و روحشان به دنبال امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود می باشد یا نه؟ و تا چه اندازه ای برای نجات خود از مرگ ناشی از بی آبی در پی دست آوردن آب حیات

تلاش می ورزند و در جستجوی آن همت به خرج می دهند.

معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

الإمامُ الماءُ العذبُ على الظَّماءِ. (1)

امام، آب شیرین در حال تشنگی است.

### کفران نعمت ولایت

در دوران غیبت شیعیان برای پندپذیری و رهایی از نکبت و شدائد روزگار، باید همواره وقایع پس از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) را با خود مرور کنند زمانی که بعد از شهادت این بزرگوار وصایای ایشان را زیر پا گذاشتند و عهد و پیمان روز غدیر را عمداً به فراموشی سپردند و با این عمل خود به بدبختی، فلاکت و معذب بودن در سرای آخرت راضی شدند و تن دادند.

حق تعالی هم بنا به درخواست و زبان حال و عملکرد آنان که عملاً بدبختی

ص: 21

---

1- اصول کافی، کتاب الحجّة باب نادر جامع فی فضل الامام و صفاته، ح 1.

دوسرا را خواستند با پایمال نمودن نعمت عظمای ولایت خیر و نیکی را از می آن آنها برداشت و چون نیکویی (حضرت امام امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (علیه السلام)) را نپذیرفتند بنا به اقتضاء طبیعی شرّ میدان دار و صاحب سلطه گشت. و چون بر این گناه عظیم اصرار ورزیدند خدای تعالی از فرود آمدن شرّ هم مانع نشد و آنها را به خودشان واگذار کرد. و اگر صادقانه با زبان حال که نوعی عملکرد می باشد. خیر و برکت یعنی حضرت امام امیر مؤمنان (علیه السلام) را طلب می کردند خدای تعالی هم بر اساس درخواستشان باعث خیر و سعادت می شد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرموده اند:

قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَى وَايَةٍ عَلَيَّ (علیه السلام) مَا خَلَقْتُ النَّارَ. (1)

حق تعالی فرمودند: اگر مردم بر محبت حضرت علی (علیه السلام) اجتماع می کردند هیچگاه جهنم را نمی آفریدم.

پس عقلاً ثابت شد عمل انسان خود بیان عرض حاجت است که دخل و تصرفی در زبان و خواستن ندارد و شاید خالصترین نوع عرض حاجت به

ص: 22

همین شکل و ترتیب باشد که آنچه در درون است با عمل بروز داده می شود که این فرمایش بسیار ارزنده از حضرت صدیقۀ طاهره (علیها السلام) بیانگر این مطلب است که فرموده اند:

به خدا سوگند اگر از به دست گرفتن حکومتی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به امام امیر مؤمنان (علیه السلام) سپرده است خودداری می کردند حضرتش تمام امور را با دست با کفایت خویش گرفته و خلاق را در کمال آرامش راه می برد آن سان که نه خشونت در کار باشد و نه احدی به زحمت افتد و ایشان را بر چشمه های جوشان گوارایی راه مینمود که نه طغیانی داشته باشد و نه آلودگی و بدین گونه همگان را از آن سیراب می نمود. در ظاهر و باطن بدون هیچگونه غش و دورویی و تقلبی خیر خواه ایشان بود، نه برای خویش ثروتی می آندوخت، و نه خود را غرق نعمت های دنیوی می کرد، جز به مقدار ضرورت بدان دست نمی زد.

آنگاه بود که مردمان طمعکار در حکومت و قدرت طلبان دنیاپرست و شیفتگان ریاست، از زاهدان بی آزار جدا و شناخته می شدند و راستگویان خدا جوی از اهل دروغ و زر و تزویر جدا می گشتند. (1)

ص: 23

آنگاه برای اثبات این مطلب این آیات را تلاوت فرمودند:

اگر اهل آبادی ها ایمان آورده و تقوی می گزیدند برکاتی از آسمان و زمین بر آنها گشوده می داشتیم لکن تکذیب کردند و ما هم به سوء اعمالشان ایشان را گرفتار نمودیم و به زودی عواقب وخیم اعمال این ستم کیشان گردن گیرشان شده، و ایشان هرگز بر ما غالب نیابند.

نتیجه اینکه با بیان این نوع عرض حاجت که بدون زبان و با عملکرد خیر و یا شرّ بر انسان فرود می آید حجّت بر همه مؤمنین تمام می گردد راهی برای جواب گوئی حق تعالی نخواهیم داشت آن موقعی که به بلاها مبتلا شدیم با چه روی و چه حالی می توان از خدای تعالی درخواست نجات کرد، در صورتی که با عمل خودمان طالب همین حوادث شدیم که آن موقع پشیمانی سودی نخواهد داشت مگر اینکه از قبل چاره ای بیندیشیم و پناهگاهی با عملکرد خود بسازیم که عمل ما دعای ماست و درخواست عاجزانه و مداوم است که چاره ساز است و در برابر تقدیرات الهی دعاهای خالص است که گره گشایی می کند و گرنه چه کسی می تواند در مقابل این حوادث بایستد و سرنگون نشود؟ این قدرت حق است که بر اثر دعای خالص، دفع بلا می کند و رحمت را منتشر می سازد و برکات را نازل می کند که همانا در عصر ظلمت و تباهی

ص: 24

آن رحمت بیکران و فضل بی پایان و دژ مستحکم. کسی جز وجود اقدس همایونی والا حضرت حجّة بن الحسن (علیه السلام) نیست. تنها به قدرت یداللهی این امام همام و به یک گوشه چشمش همه نعمت ها تبدیل به نعمت و همه تاریکی ها مبدّل به روشنایی می گردد. که فرموده اند:

نَحْنُ كَهْفٌ لِمَنِ التَّجَا إِلَيْنَا. (1)

ما پناه کسانی هستیم که به ما پناهنده شوند.

### انتظار فرج کلید نجات

طبق روایات اهل بیت، عمده دلیل بدبختی مردم در آخر الزمان، دوری از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و طبیعتاً راه رهایی از نکبت ارتداد نیز به ارتباط با حضرت بستگی

ص: 25

امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرمایند:

وَاللّٰهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيْهَا مِنْ الْهَلَكَةِ اِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلٰى الْقَوْلِ بِاِمَامَتِهِ. (1)

به خدا سوگند آن چنان از دیده ها غائب شود که از هلاکت نجات نمی یابد جز کسی که خدا او را در اعتقاد بر امامت او ثابت و استوار نگه می دارد.

و در ادامه نیز حضرت روش آنهایی که در این امتحان بزرگ ثابت می مانند را بیان می فرمایند که همه حرف ما نیز همین است،

وَوَقَّعَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ. (2)

آنهایی را که خدا موفق بدارد برای تعجیل فرج و ظهور مولا (علیه السلام).

یعنی کسی که موفق نشود و اهتمام نرزد به دعا برای فرج هر چند در ظاهر نیکوکار و متدین باشد در نهایت به خاطر این بی رغبتی به هلاکت و سرگردانی دچار خواهد شد که این بیچارگی نیست مگر به خاطر جهل و نادانی و بالعکس

ص: 26

---

1- يوم الخلاص، ج 1، ص 392، از بشارة الاسلام، ص 168 و الامام المهدي، ص 134.

2- همان.

دعا کنندگان برای ظهور، در مرتبه اعلاء دانایی و عقل قرار خواهند گرفت.

سزاوار است هر عاقلی قبل از گرفتار شدن و غرق شدن در شدائد پناهگاهی به نام امام عصر (علیه السلام) از برای روز حادثه تدارک ببیند.

امام (علیه السلام) فرموده اند:

وقتی حوادث وحشتناک آسمانی پدید آمد، هر گروهی به پناهگاهی و ما به رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) پناهنده شویم و شما در آن هنگام به ما پناهنده شوید. (1)

کدامین پناهگاه بهتر از توجه و استغاثه هر روزه امام زمان (علیه السلام) می باشد؟

آیا با نبودن ظاهری این وجود مقدّس و نورانی، زندگانی و دنیا می تواند سیر طبیعی و متعادل خودش را به خوشی و خرمی بدون آفتی طی کند و مسافری و ساکنان خودش را با رضایت و آرامش به مقصد که اتصال با دنیای دیگر و ابدیت است برساند؟ و همگان را در نهایت راحتی بدون بیماری و فقر و شرّ و بدبختیبه سوی زندگی همراه با آرامش و سعادت مادّی و معنوی

ص: 27

---

1- تفسیر فرات 428، ح 567 - بحار الأنوار، 68/63، ح 114 - الکافی 8/79، ح 35.

برساند؟

یقیناً فقط قدرت یداللهی امام عصر (علیه السلام) است که می تواند حوادث خانمان سوز و وحشتناک را تبدیل به آسایش و راحتی کند و جهنم امروز دنیا را به بهشت مبدل گرداند که صبح امید بسیار نزدیک است.

أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ. (1)

آیا صبح نزدیک نیست؟

و خوشا به حال آنانی که حق تعالی به ایشان عقل سالم عطا فرموده و برای رفع عطش خود فقط آب حیات امامت را طالبند که در این راستا انشاءالله با استغاثه زیاد و پی در پی به نتیجه خواهند رسید.

فرموده اند:

(وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ). (2)

و آنها که در راه ما جهاد کنند، قطعاً به راه های خود، هدایتشان خواهیم کرد؛ و خداوند با نیکوکاران است.

منتظران ظهور حضرت طبق این روایت جزو مخلصین واقعی و راستین قرار

ص: 28

---

1- سوره هود، آیه 81.

2- سوره عنکبوت، آیه 69.

می گیرند.

امام جواد (علیه السلام) فرمودند:

«فَيَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ» (1).

(فقط) مؤمنان با اخلاص ظهور او را انتظار می کشند.

سپس مورد تحسین و رحمت خاصه حق واقع می گردند که درباره آنها می فرمایند:

طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ. (2)

خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبت انتظار ظهور را می کشند.

و این درجات نیست مگر از برای اهمیّت و فضیلت دعا کردن که معنی انتظار را هویدا می سازد و مصداق این آیه شریفه خواهند بود که:

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ. (3)

ص: 29

---

1- القطره، ج 1، ص 757 - کمال الدین، ج 2، ص 387، ح 3 - بحار الأنوار، ج 51، ص 30، ح 4 - انوار المضيئة، ص 400 - اعلام الوری، ص 436.

2- يوم الخلاص، ج 1، ص 387 - منتخب الأثر، ص 514 - بحار الأنوار، ج 52، ص 213 - الزام الناصب، ص 57 و 37.

3- بقره، آیه 157 - عیون الأخبار، ج 1، ص 35 - معانی الأخبار، ص 373 - منتخب الأثر، ص 135 - جامع الأخبار، ص 23.

اینها آنانی هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده؛

امام معصوم (علیه السلام) این آیه را در شأن ثابت قدمان و منتظرین ولی عصر دانستند.

و در فرازی از این روایت از ناحیه حق تعالی می فرمایند:

أُولَئِكَ أَوْلِيَّائِي.

آنهايند دوستان واقعي من...

و سپس فرمودند:

هُمُ الْمُهْتَدُونَ.

آنهايند هدايت يافتگان.

پس ای جان برادر مقام انتظار را قدر و سپاس بدان، که از چه شأن و مقامی برخوردار است که تنها راه هدایت و ثابت ماندن و رسیدن به رحمت خاصه پروردگار می باشد. امام صادق (علیه السلام) در باره چنین اشخاصی فرموده اند:

إِعْلَمُوا أَنَّ الْمُنتَظِرَ لِهَذَا الْأَمْرِ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ. (1)

بدانيد که منتظر اين امر را پاداش کسی است که شبها شب زنده دار و روزها روزه دار باشد.

کدامين عبادت و عمل، ما را در درجات و هم نشيني با انوار مقدسه ائمه

ص: 30

---

1- غيبت نعمانی، ص 102 و 104 - بحار الأنوار، ج 52، ص 292 - الزام الناصب، ص 137 و 175.

اطهار (علیهم السلام) می تواند قرار بدهد جزارتباط قلبی و راز و نیاز با حضرت.

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرموده اند:

خوشا به حال شیعیان ما که در دوران غیبت قائم ما به رشته ی ولایت ما چنگ میزنند، بر ولایت و دوستی ما و همچنین برائت و بیزاری از دشمنان ما ثابت می مانند.

أُولَئِكَ مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ.

آنها از ما و ما از ایشان هستیم.

آنها به امامت ما خشنود و ما از شیعه بودن آنها خرسندیم.

پس خوشا به حال آنها و واقعاً خوشا به حال آنها،

(وَهُمْ وَاللَّهِ مَعَنَا فِي دَرَجَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ) (1)

به خدا سوگند آنها فردای قیامت با ما و در درجات ما هستند.

و اگر عمر شخص منتظر وفا نمود و ظهور را درک نکرد، بر اساس معرفت و محبت به امام تمامی پاداش و حسنات سربازان مولایمان صاحب الزمان (علیه السلام)

ص: 31

را به او خواهند داد.

اهل بیت (علیهم السلام) فرموده اند:

فَإِنْ مَاتَ [الْمُنْتَظِرُ] وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ. (1)

هنگامی که شخص منتظر از دنیا برود و امام قائم (علیه السلام) بعد از او ظهور کند او پاداش کسی را می برد که دوران ظهور را درک کند. این ندای همه منتظران است! ای مؤمنین و ای آنان که دم از محبت و جان نثاری می زنید برترین نیکی ها و خیرات و عبادت های خالصانه حق، تلاش برای زمینه سازی ظهور می باشد.

فَجِدُّوا، وَانْتَظِرُوا. (2)

تلاش کنید و انتظار بکشید.

بدان که پیرامون انتظار تلاش کردن عملی است که حق تعالی هم خود دارای این فعل است که فرموده اند:

فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ. (3)

منتظر باشید که من نیز از منتظرانم.

ص: 32

---

1- یوم الخلاص، ج 1، ص 386- غیبت نعمانی، ص 106.

2- یوم الخلاص، ج 1، ص 386 - غیبت نعمانی، ص 106.

3- سوره هود، آیه 93 - یونس 20 و 102.

پس بدان پا به کدام وادی گذاشته اید مکان و رتبه ای را که حق تعالی آن را اول مختص به خودش، سپس به دوستانش نموده است و در این مقام است که ندای حق تعالی به شما خواهد رسید:

أَيُّهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ. (1)

ای گروه مؤمنان، که رحمت حق شما را فراگرفته است.

و در حاله ای از رحمت خاصه (مرحومه) پا به دنیای دیگر خواهید گذاشت که دوستداران واقعی امام امیرمؤمنان علی (علیه السلام) همانا منتظرین امام عصر (علیه السلام) می باشند که مفارقتشان از دنیا را چنین فرموده اند:

بعث الله اليه ملك الموت كما يبعثه الى الانبياء و جنبه احوال منكر و نكير و فتح له في قبره مسيرة عام و جاء يوم القيامة أبيض الوجه يزف الى الجنة كما تزف العروس الى بعلها... (2)

خداوند عزرائیل را برای قبض روح او می فرستد همانگونه که برای پیامبرانش می فرستد و ترس و وحشت دو فرشته (نکیر و منکر) را که برای بازجوئی در قبر می آیند از او دور می کند و قبرش را به اندازهی مسیر یک سال توسعه می دهد و در صحنه

ص: 33

---

1- يوم الخلاص، ج 1، ص 386 - غيبت نعماني، ص 106.

2- القطره، ج 1، ص 231 از مشارق الأنوار 61.

قیامت با روی سفید وارد می شود و به طرف بهشت شتابان می رود همانطور که عروس خود را به خانه شوهرش می برند.

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

طُوبَى لَشِيعَةِ قَائِمِنَا الْمُتَنْظِرِينَ لظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أُولِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. (1)

خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبت انتظار ظهور او را می کشند و در زمان ظهور، از او اطاعت می کنند. آنها کسانی هستند که هیچگونه ترس و اندوهی ندارند آنها را دوستان خدا.

یکی از دلایل الزامی بودن ارتباط قلبی با امام (علیه السلام) آن هم به حکم عقل برای در امان ماندن از بلاها و گرفتاری ها است که به جایگاه امنی که هیچ خطری توان تهدید و اذیت شخص پناهنده را نداشته باشد باید پناه برد که دامن پرمهر و سرشار از محبت امام بهترین پناهگاه می باشد که حضرت امام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرموده اند:

أَنَا بَيْتُ اللَّهِ الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا. (2)

من آن خانه خدایم که هر کس در آن وارد شود در امان است.

ص: 34

---

1- منتخب الاثر، ص 514 - بحار الأنوار، ج 52، ص 123 - الزام الناصب، ص 57 و 137.

2- القطره، ج 1، ص 460 - الفضائل ابن شاذان، ص 83 - معالی السبطين، ص 58.

هر مؤمن و عاقلی حدّ اقل برای دفع بلا و جذب رحمت و برکت پس از فکر نمودن و مروری بر این مطالب و روایات پیرامون نشر فرهنگ انتظار که در قالب دو چیز می‌گنجد «دعا و یاد امام عصر (علیه السلام)» حرکتی نوین، جدّی و تلاشی پیگیر را باید آغاز نماید.»

مؤمن با تمرین و ممارست قبل از روپرو شدن در برابر حوادث؛ با یاد نمودن و راز و نیاز و اظهار و تضرّع زنگارهای دل را زدوده و بدین وسیله عکس امام (علیه السلام) در صفحه دلش نقش خواهد بست و همیشه تابان می‌ماند و به وسیله تابش انوار امام عصر (علیه السلام) راه را از چاه تشخیص خواهد داد و در زمانی که بلاها از زمین و آسمان همه را فرا خواهد گرفت و در طوفان نوح آخر الزّمان غرق خواهند گشت فقط یک دسته اند که به کشتی نوح زمان راه پیدا خواهند کرد و آن هم متوسّسین و یاد کنندگان آن حضرتند که در طول شبانه روز و قبل از طوفان حوادث به برکت ارتباط قلبی مورد عنایت خاصّه

ورهایی از هر پلیدی و حادثه ای را پیدا خواهند کرد.

امام باقر (علیه السلام) فرموده اند:

اما ترضون أن لو كانت قرعة من السماء قرع كل قوم إلى ما منهم وقرعنا إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) وقرعتم الينا. (1)

آیا خشنود نمی شوید وقتی حادثه وحشتناک آسمانی پدید آید هر گروهی به پناهگاه خود رود و ما به رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) پناهنده شویم و شما در آن هنگام به ما پناهنده شوید.

متأسفانه کجا گوش شنوایی می تواند حقیقت روایات بلاهای آخرالزمان را باور کند و کجا چشم باز و بینایی باشد تا از دور، گرد و غبار و حوادث را ببیند جز متفکران و عاقلان و اندیشمندانی که فکرشان برتر از هوا پرستی و تجمل گرایی است. متأسفانه این دسته از افراد در جامعه مومنین بسیار قلیل اند و در این راستا متأسفانه به القاء شیاطین رجیم بعضی از محبینی که دل به تجمل پرستی و جمع کردن اموال دارند و بدین وسیله مرتکب ظلم به مومنین فقیر می شوند مورد عتاب و عقاب قرار خواهند گرفت. در مورد اثبات این مطلب در تاریخ نقل است جناب علی بن مهزیار که چندین سفر به عشق

ص: 36

---

1- القطره، ج 1، ص 531 - تفسیر فرات 428 ح 567 - بحار الأنوار 68/63 ح 114 - الکافی 7/79 ح 35 - تفسیر برهان 4/206 ح 1.

حضرت بقیه الله به حج رفته بود تا شاید در روز عرفات به خدمت مولا برسد پس از نا امیدی از این سفرها پیک بشارت برای زیارت حضرت به سوی وی رفت و علی بن مهزیار با دو تن از اوتادین و خاصان حضرت به محضر شریف مولا رهسپار شدند. در این دیدار اولیه حضرت به ایشان می فرماید: پسر مهزیار ما شب و روز در انتظارت بودیم چرا دیر به ما رسیدی عرض کرد راه را بلد نبودم. در جواب حضرت فرمودند:

امام عصر (علیه السلام) به علی بن مهزیار فرمودند:

آیا راه آمدن به نزد ما را بلد نبودید یا به وسیله اندوختن مال و ثروت برادران دینی خود را مورد ظلم و ستم قرار داده بودید (یعنی در برابر گرفتاری های برادران مؤمن بی اعتنا بودید).

و با این وضع کجا محبّ تجمل گرا می تواند خانه دل را محل و مأوی امام زمان (علیه السلام) خود گرداند.

و تا موقعی که دل حالت حرص به تجملات دنیا را دارد و سرگرم اندوختن

ص: 37

و زیاد کردن مال دنیاست یقیناً نمی تواند در آن دل هم خدا باشد هم دنیا

(ما جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ...) (1)

خداوند برای هیچکس دو دل در درونش نیافریده...

پس بدان راه نجات مستلزم تفکر صحیح و آنگاه استغاثه از معصومین مخصوصاً امام زمان (علیه السلام) برای نجات از مهلکه بزرگ نفسانی و رهایی جستن از محبت دنیاست.

سیدی اخرج حب الدنيا من قلبي.

عمده وظیفهی محبین و مؤمنین در عصر غیبت امام پس از مراعات تقوا و پارسائی بر دو اصل؛ یاد و توجه و دعا استوار گشته است.

1. نزدیکی قلب و آشتی و آشنایی با وجود مقدس امام (علیه السلام) که اثبات و صدق محبت دوستانش است:

أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ. (2)

یعنی توجه خالص در هر صبح و شام را فقط دوستانش انجام می دهند و تا این توجه قلبی به وجه الله در طول روز یا شب انجام نگیرد  
هنوز ایمان ما

ص: 38

---

1- سوره احزاب، آیه 4.

2- فرازی از دعای ندبه.

به درجهٔ صدق و راستی نرسیده است و این عمل خود بهترین و خالص ترین عمل عبادی در عصر غیبت امام (علیه السلام) است که مؤمن علی‌رغم ندیدن حجت حق، دل خود را متوجه و مشغول او می گرداند و به برکت این اتصال و آشتی به همه خیرات و صالحات و نیکی ها دست می آورد و از رذائل و زشتی ها و تاریکی ها دور می شود و سرانجام بر اثر مداومت بر این عمل به مقام منتظرین نایل می گردد که در وصف این مؤمنان امام صادق (علیه السلام) فرموده:

وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُنتَظِرِينَ. (1)

خداوند منتظرین را دوست دارد.

و ما با پند گرفتن از وکلای چهارگانه آقا بقیة الله (علیه السلام) و محبتین خاص در غیبت صغری با ارتباط قلبی و راز و نیاز و استمداد از امام خود را برای محفوظ ماندن از لغزش های اعتقادی و حوادثی که به وجود می آید آماده خواهیم کرد و طبق این روایت ارزنده در انتظار آن وقت معین چشم دوخته ایم.

در جای خود آرام بگیرید و بر بلا و سختی شکبیا باشید و دست و شمشیرتان را در راه تمایلات خود بکار نبرید و در آنچه خداوند برای

ص: 39

شما زود مقدر نفرموده شتاب نکنید تا زمان آن فرا رسد. بدانید هر کس از شما در بستر خود بمیرد در حالی که به حق خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و اهل بیت او معرفت داشته با خداوند است، و اجر آنچه از اعمال صالح را نیت کرده سزاوار گشته، و نیت او جایگزین شمشیر کشیدن او می باشد، و همانا برای هر چیزی زمان مخصوص و مدت معینی مقدر شده است. (1)

پس چه کسانی در این ابتلائات و آزمایش ها نمی لغزند و بشارت به آنها می رسد و مصداق صبرکنندگان و پایداران در ولایت می گردند.

همانا عده ای قلیل و خاصّی که از قبل توانسته بودند از برای روز حادثه پناهگاهی بسازند و آن گوهر گرانبهای ولایت و دین را در آن دژ محکم از جمیع بلاها حفظ نمایند و آنها کسانی هستند که به روز راحتی و آسایش که در آن خبری از جنگ، قحطی، بیماری و... نبود.

در طول شبانه روز هزار چند گاهی با دل شکسته رو به رخساره‌ی زیبا و کریم خدا می نمودند و ابراز می نمودند:

«أَيْنَ وَجْهِ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ».

و در طول ساعات پر مشغله دنیا، خلوتی را با مولا و صاحب جمیع هستی و پدر مهربان مهیا می دیدند و در آن دقائق به راز و نیاز با امام خودشان می پرداختند که فرموده اند:

إِنَّا إِذَا ذُكِرْنَا ذُكِرَ اللَّهُ.

به درستی که هرگاه ما یاد شدیم خدا یاد شده است.

ص: 40

---

1- به نقل از القطره از نهج البلاغه: خطبه 190 - بحار الأنوار: 52/144 ح 63 - الزام الناصب 1/472.

تا بدین وسیله کم کم به مقام منتظرین نایل آیند و مورد الطاف خاصّه حق تعالی قرار بگیرند که بشارت ها از ناحیه معصومین (علیهم السلام) برای این دسته افراد بیان گشته است.

امام محمّد باقر (علیه السلام) فرموده اند:

زمانی برای مردم فرا میرسد که امامشان از آنها پنهان می شود خوشا به حال آنانی که در آن زمان بر امر امامت و به دستورات ما پایدار و استوار باشند. (طبق روایات قبلی ثابت قدمان یعنی دعا کنندگان برای فرج) همانا کمترین پاداش آنها این است که پروردگار عزوجل آنان را ندا می دهد: ای بندگان من! آنهایی که به غیبت من (مهدی (علیه السلام)) ایمان آوردید و باور کردید پس بشارت باد بر شما پاداشی نیکو از سوی من. حقیقتاً شما مردان و زنان بندگان من هستید (نکته مهم) تنها از شما اعمال را می پذیرم و تنها از گناهان شما در می گذرم و فقط شما را می آمرزم فقط به خاطر شما باران را بر بندگانم فرو می فرستم و هر بلا و آفتی را از آنها دور می سازم «وَأَدْفَعُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ» و اگر شما نبودید البته عذاب خود را بر آنها نازل می کردم. (1)

درجه و مقامات بسیار عالی را که از برای ثابت قدمان و دعا کنندگان برای ظهور مولارا فقط خدا می داند که مقداری از آن در زمان ظهور سپس در عالم برزخ و بعداً در قیامت آشکار خواهد گردید.

ص: 41

از عنایات ویژه چنین توجه ای به امام (علیه السلام)، در امان ماندن از مؤاخذه و عذاب بعد از مرگ و رهایی از مأموران عالم است پس هر محبی الزاما می بایست دل را متوجه مقام وجه اللّهی ایشان سازد و بر یاد شریف ذکر اعلی و عظیم حق تعالی متوسل گردد و اولین گام در طول روز هر چند گاهی ندایی از درون بر زبان جاری سازد و اسم اعظم و مبارک الهی «یا صاحب الزمان، یا بن الحسن و...» را زمزمه نماید.

از برکت این توجه مصون بودن از شرارت های خلاق و ایمن بودن از بلاهای آسمانی و زمینی از دستاوردهای آن خواهد بود که حصن ولایت دژ محکمی است که کوچکترین آفتی و شرّی محال است بتواند به قلعه محکم محبت امام راه یابد و انگهی شعله های نورانی حضرتش همه خبائث و ظلمت ها را تبدیل به پاکی و روشنایی می گرداند و مانع ورود بدیها و نکبت ها خواهد گشت و وارد شدگان به این قلعه یا دنیای نورانی امام زمان (علیه السلام) و به جهت دستیابی به عالی ترین مقام بندگی در نهایت راحتی و آرامش در این چند روزه دنیا زندگانی را سپری می کنند و از دغدغه های روحی و پریشانی های روانی به خاطر طبع قناعت و دوری از حُب الدنیا جدا و دور بوده، حرص و ولع را تبدیل به زهد و بی رغبتی به تجملات و زیاده روی ها می کنند.

از دیگر آثار توجه به امام رفع نیاز و رسیدن به حوائج است که می توان با تقرّب و توسّل به امام عصر (علیه السلام) درب استجابت را باز نمود که صاحب این درب

الهی «یا بن القماقمه الأکرمین» (1) است و جمیع کائنات با تمامی برکات و نعمت هایش مخصوصاً سرای آخرت با آن وسعت بیکرانش و نعمت های بی شمار و بی پایانش نمی از دریا های جود و بیکران محمد و آل محمد (علیهم السلام) است.

البته عمده استجاب و نظر خاصه امام عصر (علیه السلام) به تابعین و متوسلینش، بیرون آوردن آنها از جهل تاریکی و هدایت نمودن به سوی جاده های نورانی است که به بهشت منتهی می شود.

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

حق تعالی می فرماید: کسی که آنها را بشناسد (ائمه اطهار (علیهم السلام)) و به حق آنها معرفت داشته باشد در مواضع جهل و نادانی برای او علم و دانش و در جای ظلمت و تاریکی برایش نور و روشنایی قرار می دهد و قبل از آنکه مرا بخواند او را اجابت کنم و به او عطا نمایم. (2)

### تبیین فرهنگ انتظار

امام زین العابدین (علیه السلام) فرموده اند:

إِنَّ أَهْلَ زَمَانٍ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ... الدُّعَاءُ إِلَى دِينِ

ص: 43

1- فرازی از دعای ندبه.

2- القطره، ج 1، ص 83 - تفسیر قمی 1/243 - معانی الأخبار، ص 20 - امالی صدوق، ج 2، مجلس 95، ص 764 - الکافی 2/456، ح 15.

منتظرین ظهورش، دعوت کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان، می باشند.

طبق روایاتی که از معصومین رسیده است منظور از دین امام زمان عجل الله فرجه الشریف است

امام صادق علیه السلام در روایتی می فرمایند:

الدِّينِ وَأَصْلَ لَدَيْنِ هُوَ رَجُلٌ وَذَلِكَ الرَّجُلُ هُوَ الْيَقِينُ وَهُوَ الْإِيمَانُ وَهُوَ إِمَامُ أُمَّتِهِ وَأَهْلُ زَمَانِهِ فَمَنْ عَرَفَهُ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ أَنْكَرَهُ أَنْكَرَ اللَّهَ وَدِينَهُ وَمَنْ جَهَلَهُ جَهَلَ اللَّهَ وَدِينَهُ وَحُدُودَهُ وَشَرَائِعَهُ بِغَيْرِ ذَلِكَ الْإِمَامِ كَذَلِكَ جَرَى بِأَنَّ مَعْرِفَةَ الرَّجَالِ دِينَ اللَّهِ وَالْمَعْرِفَةَ عَلَى وَجْهِهِ مَعْرِفَةٌ ثَابِتَةٌ عَلَى بَصِيرَةٍ يُعْرَفُ بِهَا دِينُ اللَّهِ وَيُوصَلُ بِهَا إِلَى مَعْرِفَةِ اللَّهِ (2)

دین و اصل دین یک مرد است و این مرد، همان یقین و ایمان است و او همان امام امت زمان خویش است

پس هرکس او را بشناسد خدا را شناخته و هرکس منکر او شود؛ منکر خدا و دین او شده است؛

و هرکس او را نشناسد خدا را و دین او را نشناخته است و دین خدا و حدود و شرایع او شناخته نمی شود جز به همان امام.

به همین جهت می گویم شناخت مردانی معین، دین خداست و معرفت صحیح، آن معرفت و شناخت صحیح با بصیرت است که به وسیله آن راه خدا را تشخیص دهد

ص: 44

---

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 122 - منتخب الأثر، ص 244 - الزام الناصب، ص 68.

2- بصائر الدرجات، ج 1، ص: 529

## وظیفه بزرگان دین

آنچه مورد اهمیت است وظیفه بزرگان دینی است که باید سکانداران فرهنگ انتظار باشند. و مردم را به سوی امام هر زمان سوق دهند در اهمّیت منزلت و ارزش کار اینگونه علما، امام هادی (علیه السلام) می فرمایند:

اگر این دانشمندان که (مردم را به سوی امام زمان (علیه السلام) سوق می دهند) نبودند احدی باقی نمی ماند جز اینکه مردم از دین خدا مرتد می شدند «لَمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا ارْتَدَّ عَنِ دِينِ اللَّهِ» ولی این دانشمندان زمام دل ضعفا را به دست با کفایت خود می گیرند چنانکه «صَاحِبُ السَّيْفِيَّةِ سَكَّانَهَا أَوْلِيكَ هُمْ الْأَقْصَدُ لُونِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» همانند ناخدایی زیر دست، زمام و سگان کشتی را به دست می گیرند و سرنشین های کشتی را از خطر مرگ حفظ می کنند. و سپس ارزش و مقام این دانشمندان را که مردم را به طرف امام زمان (علیه السلام) سوق می دهند.

در ادامه می فرمایند:

این علما در نزد خدای تبارک و تعالی برترین انسانها هستند. [\(1\)](#)

پس از هر عالمی، باید عطر امام زمان (علیه السلام) استشمام شود چرا که علما

ص: 45

که سگانداران عصر غیبت هستند و اهمیت این نوع دانشمندان و علما که هدایتگر مردم به سوی امام وقت می باشند.

«وَ الدَّائِبِينَ عَنْ دِينِهِ»

و دفاع کنندگان دین خدا هستند.

«وَ الْمُتَّقِذِينَ لِضُعَفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ»

و بندگان ناتوان را از دام های شیطان و مریدهای شیطان نجات می دهند.

امام حسن عسکری (علیه السلام) در ضمن یک حدیث طولانی خطاب به صحابی باوفایش که از دانشمندان وقت بودند از جمله (احمد بن اسحاق) می فرماید:

مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ الْخَضِرِ وَ مَثَلُهُ مَثَلُ ذِي الْقُرْنَيْنِ. (1)

مثل چنین عالمی در این امت همانند خضر و ذوالقرنین می باشد.

اهمیت و بزرگی هر عالم به سوق دادن مردم به سوی امام زمان (علیه السلام) مشخص می شود که روایت شریف این مسئله عقلی را تأیید فرموده اند:

لَوْلَا مَنْ يَتَقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَ الدَّالِّينَ عَلَيْهِ...

اگر نبودند دانشمندانی که بعد از غیبت قائم شما (نکته مهم و جالب توجه) به سوی امام عصر (علیه السلام) دعوت می کردند و به سوی او رهنمون می نمودند... (2) همه مرتد می شدند.

پس عمده عمل بزرگان آشنا نمودن مردم با دینو توجه دادن مردم به سوی امام غریب است و نشر فضائل و دعا کردن برای فرج مولایمان امام

ص: 46

1- یوم الخلاص، ج 1، ص 392.

2- یوم الخلاص، ج 1، ص 392 از منتخب الاثر ص 223 - بحار الأنوار، ج 51، ص 156 - المحجّة البيضاء، ج 1، ص 32.

عصر (علیه السلام) و در صورت بی‌اعتنایی به این وظیفه حیاتی قطعاً جزء هلاک شدگان خواهیم بود.

در خصوص امر دعا شاید پرسیده شود که چرا خداوند تعالی برخی را به دعا کردن موفق نمی‌گرداند بدین طریق انسان مقصّر نخواهد بود چرا که موفقیت این عمل از ناحیه حق تعالی است.

در جواب باید گفت که قدم و حرکت اولی اختیاری است همانا نیت در دل است که مؤمن با اختیار خویش در وجودش قبل از فعل و عمل از روی صدق و راستی آرزو می‌کند که ای کاش می‌توانستم فلان عمل خیر را انجام دهم و خدا هم بر اساس و اقتضاء کرم، نیت قلبی او را مبدل به فعل می‌گرداند و زمینه را فراهم می‌سازد تا موفق گردد به عمل خیر که در این مورد تجربه‌های واقع‌گشته که حق تعالی برای افراد بی‌بضاعت زمینه اعمال صالح بزرگ را به طرز شگفت‌انگیزی فراهم ساخت. پس نیت یا خواست درونی باعث توفیق از ناحیه حق می‌شود. حال اگر کسی با خواندن اینگونه روایات و مطالب پیرامون لزوم ارتباط قلبی با ولیّ حق و ضرورت تلاش برای حرکتی از درون به سوی «وجه الله» و همتی برای نشر فرهنگ دعا از برای خودش و جامعه شیعه، از روی صدق داشته باشد قطعاً خدا هم نیت (دعای) درونی او را به استجابت میرساند و توفیق عمل را به او خواهد داد که جلوه و حقیقت این نیت جاری شدن آن بر زبان است که در روایت است هرگاه حاجتی داشتید بر زبان جاری سازید یعنی همگام با نیاز دل، زبان را نیز به کار ببندیم تا راز و نیاز طولانی

شود و مقصود حاصل گردد. البته شرایطی لازم است که به مرحله اجابت برسد از جمله آن که فرموده اند در دعا اصرار و پافشاری ورزید.

برای مهیا شدن در امر عظیم انتظار تفکر عمیق در این کار بزرگ است تا ضرورت آن حاصل گردد، سپس نیت که باعث جهش و حرکت می گردد و گام بعد استغاثه و اظهار عجز و کمک خواستن است که به وسیله همین تضرع، دعا و خاکساری انبیاء به درگاه محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) بود که به مقام و مراتب عالی نایل آمدند و رسیدن به نبوت آنها منوط بر خضوع و فروتنی بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) بوده که این روایت زیبا بیانگر این مطلب است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

سوگند به خدا! حضرت آدم (علیه السلام) سزاوار آفرینش به دست خداوند و دمیدن روح خویش در او نشد جز به سبب ولایت حضرت علی (علیه السلام). خداوند با موسی (علیه السلام) سخن نگفت مگر به خاطر ولایت حضرت علی (علیه السلام).

و خداوند حضرت عیسی (علیه السلام) از را آیت و نشانه برای جهانیان قرار نداد جز به واسطه فروتنی و خضوعی که نسبت به حضرت علی (علیه السلام) داشت.

سپس فرمود:

أَجْمَلُ الْأُمْرِ، مَا اسْتَأْهَلَ خَلْقَ مَنْ اللَّهِ النَّظَرَ إِلَيْهِ إِلَّا بِالْعُبُودِيَّةِ لَنَا. (1)

کوتاهتر بگویم: هیچ آفریده ای شایستگی توجه از سوی خداوند را پیدا نکرد جز به واسطه بندگی برای ما.

ص: 48

پس عمده کار شیعیان واقعی در زمان غیبت پس از رعایت تقوا توجه پیرامون مسئله انتظار می باشد که سوق دادن جامعه به طرف فرهنگ مهدویت است.

در واقع طبق همین روایت توجه و ارتباط قلبی و انتشار دعا برای ظهور، خمودگی و عزلت نشینی نیست بلکه امواج خروشان ایمان و فوران و انتشار دین است.

و غیر از این با تمام اعمال صالحه و مقدّس در تمام ابعاد دین که اگر این عبادت بزرگ (دعا) انجام نگردد در نهایت به سرگردانی و تردید دچار خواهیم شد.

آیا واقعاً زندگی بدون توجّه به امام زمان (علیه السلام) می تواند ثمره ای و منفعتی و راهبردی برای بشریت مخصوصاً جامعه مؤمنین داشته باشد.

آیا با غیبت این وجود مقدّس، منظور و مقصود حق تعالی که منفعت از خزائن رحمت الهی در قالب عبودیت بوده محقق می گردد..:

آیا بدون ارتباط قلبی با امام زمان (علیه السلام) می توان بندگی حق نمود و راه را از چاه تشخیص داد و این دنیا را از تاریکی و نکبت ناخوشی جنایت و خیانت و فقر و... تبدیل به آسایش و خرمی و صلح و صفا نمود؟ و با فراهم شدن این زمینه می توان حق را در تمام مراتب عبودیت بندگی نمود و همه ابعاد دین را پیاده کرد تا تضمینی گردد برای سکنا گزیدن در بهشت جاودانه؟ که یقیناً و قطعاً هیچگاه بدون امام مهدی (علیه السلام) نمی توان چنین زمینه ای را فراهم نمود.

در مورد عدم توفیق درخواست و دعای مصرانه حقیقت مطلب آن است که چنین افرادی با بی‌اعتنایی به این عبادت الهی به این نکبت و غرق شدن در منجلاب و حشتناک دنیای امروز و همه حوادث و بلاهای آینده راضی هستند و با زبان حال به درگاه خدا رضایت خود را از وضع کنونی اعلام کرده و در حقیقت طالب ادامه وضع موجود و خریدار شرّ و بدبختی هستند.

### بداء از اعتقادات ضروری مؤمنان

اما مطلب بعد اینکه شاید این سوال به ذهن بعضی از خوانندگان گرامی برسد که اگر قرار است طبق این روایات فتنه و بلاها نازل شود دعای ما چه تأثیری در مقابل تقدیرات الهی خواهد داشت؟

و هیچ راهی برای دفع این بلاها وجود ندارد و روایات هم که چون متعدّد است نوعاً طوری مطرح شده که هر شیعه ای بر اساس اعتقاد به علم امام یقین پیدا می‌کند که باید این حوادث به وقوع بپیوندد پس کاری از دست ما ساخته نیست.

اما جواب این سؤال و بر اساس روایات، ضروری است که مومن اعتقاد به "بداء" داشته باشد.

به زبان ساده بداء یعنی اینکه خداوند در آنچه برای انسان تقدیر کرده است، به خاطر دعا و اصرار بنده اش تغییر ایجاد کند.

امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) فرموده اند:

مَا عُبِدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ مِثْلِ الْبَدَاءِ. (1)

خدای عزوجل به مانند بدا به چیزی پرستش نمی شود.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

مَا عَظَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِمِثْلِ الْبَدَاءِ. (2)

خداوند عزوجل به چیزی به مانند بدا تعظیم نمی شود.

توضیح اجمالی مسئله بداء این است که بداء یعنی حدوث رأی حق تعالی که قبلاً چنین اراده نکرده بود مثل اینکه شخصی قرار بود در سن معینی بمیرد؛ ولی بر اثر دادن صدقه و دعا کردن، رأی خدای تعالی حادث می گردد به اینکه عمرش طولانی تر از آن وقت قبلی و تعیین شده گردد و روز مرگش روز زندگی مجددش می شود.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نقل می فرمایند:

کسی که از عمرش سه سال مانده است اگر صله رحم کند، خداوند عمر او را سی و سه سال می کند و کسی که از عمرش سی و سه سال مانده است؛ ولی اگر قطع رحم کند خداوند عمر او را به سه سال یا کمتر از آن تقلیل می دهد. (3)

سپس امام (علیه السلام) این آیه را تلاوت فرمود:

ص: 51

1- التوحید ص 331.

2- التوحید ص 333.

3- تفسیر عیاشی، ص 220.

(يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ)

آنچه را خدا بخواهد محو می کند.

پس مؤمن با درخواست خالصانه، عاجزانه و مصرانه از حق تعالی می تواند مقدرات و یا بلاها و نعمت ها را تبدیل به گرداند، مثل قوم موسی (علیه السلام) که حق تعالی با درخواست و استمداد و اصرار عاجزانه یکصد و هفتاد سال عذاب آنها را محو کرد و بداء حاصل نمود و تاریخ فرج و گشایش قوم حضرت موسی را به جلو آورد.

درباره تبدیل و تغییر تقدیرات، روایات فراوانی نقل شده از جمله:

الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ بَعْدَ مَا أُبْرِمَ إِيرَامًا. (1)

دعا (درخواست کردن) قضای الهی را رد می کند بعد از آنکه مبرم و محکم شده باشد.

یا اینکه فرموده اند:

آیا تورا آگاه نکنم به چیزی که از همه دردها حتی از مرگ هم شفا باشد؟

راوی عرض کرد چرا؟ فرمودند:

دعا.

امام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمودند:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ. (2)

محبوب ترین اعمال نزد حق تعالی در روی زمین دعا است.

و از امام باقر (علیه السلام) سؤال شد؛ زیادی قرائت قرآن بهتر است یا زیادی

ص: 52

---

1- سفينة البحار ماده دعا.

2- الكافي 2/467.

دعا؟ حضرت فرمودند:

كَثْرَةُ الدُّعَاءِ أَفْضَلُ ثُمَّ قَرَأَ (قُلْ مَا يَعْבוُّكُمْ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ). (1)

زیادی دعا بهتر است.

آنگاه این آیه را خواند:

بگو اگر دعای شما نبود پروردگار من اعتنایی به شما نداشت.

که اگر در تبت و قلب، طالب عمل خیر و صالح باشیم حق تعالی هم که صاحب جود و کرم است بر اساس تبت خالص قلبی، خیر و برکات را برای درخواست کنندگان همانند قوم بنی اسرائیل نازل می فرماید.

حضرت صادق (علیه السلام) فرمودند:

آنگاه که عذاب و سختی ها بر بنی اسرائیل شدید و طولانی شد چهل روز به درگاه خدای تعالی ضجّه و ناله کردند و گریه ها نمودند تا حق تعالی یکصد و هفتاد سال عذاب را که قرار بود ادامه یابد از آنها محو کرد. (2)

نتیجه اینکه درست است که طبق روایات، جهان و یا کره زمین مورد تهاجم سنگین بلاها قرار می گیرد؛ اما می توان با دعا کردن به معنای واقعی مانع از حوادث ناگوار شد و مهمتر اینکه با درخواست های فراوان و عاجزانه، تاریخ زمان ظهور را نزدیک نمود و حق تعالی

ص: 53

---

1- وسایل الشیعه 4/1089.

2- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 152، ح 49 - بحار الأنوار، ج 52، ص 131، ح 34.

منت گذارده به احترام محمّد و آل محمد (علیهم السلام) در این امر، بداء حاصل نماید و بدون پیدایش حوادث، به یک لحظه و ساعت و به تعبیر روایات و آیه شریفه «بغته» ظهور مولایمان صاحب الزّمان (علیه السلام) را برساند و اگر طبق روایات، قرار است زمین مورد تهاجم و بلاهای وحشتناک قرار بگیرد عقل حکم می کند برای در امان ماندن در دنیا و مراحل عالم برزخ قدمی برداریم و چاره ای بجوییم و به وسیله دعا و با یاد و توجه قلبی به امام عصر (علیه السلام) که پناهگاهی برای مؤمن است و برای روزگار حادثه ها چه در زندگی شخصی و روزمره و چه عمومی دژ محکم و استواری را اختیار نماییم.

مسأله مهمی که باید به آن یقین کرد دعاهاى هر كسى قطعاً برای به جلو آوردن زمان ظهور تأثیر خواهد داشت، چشم باطن ما باز نیست نمی توانیم پاره شدن هر نخی از طناب غیبت را ببینیم که با دعای هر یک نفر، یک رشته از این طناب گسسته می شود.

تحقق آن امر الهی تنها به واسطه از بین رفتن حجاب های غیبت ممکن است که آن هم با اجتماع محبین و همگانی شدن دعا در این امر مهم الهی میسر است و در این خصوص قوم موسی (علیه السلام) آئینه عبرت ما هستند.

لکن بر اثر آلودگی دلها و آغشته شدن به محبت ها و تعلقات دنیوی آئینه دل زنگار سختی گرفته و بر اثر حرص و طمع به سوی دنیا سیری و مستی بر وجودمان مستولی گشته که بزرگ و کوچک همگان در خواب غفلت و دوری از یاد امام زمان (علیه السلام) فرو رفته ایم و ظاهراً از خواب سنگین نمی توانیم بیدار شویم مگر توسط حوادث ناگوار و بزرگ که روایاتش قبلاً تحت عنوان بلاها در آخر الزّمان ذکر گردید ظاهراً شیرینی دنیا در وجود همگان مسکن گرفته و حتی مؤمنین اهل تهجد و علم را نیز به نوع دیگر مبتلا گردانیده است

متأسفانه به زبان حال و عمل اظهار بی‌نیازی می‌کنند و خود را مستغنی از این امر می‌پندارد و سرگرم عبادت و تهجد و یا فراگیری دروس علمی و تعلیم و تربیت می‌باشد که همه اینها حق است و از شرایط بندگی و جزء حتمیات و لوازم عبودیت است؛ و لکن این دسته افراد ممتاز و مذهبی گرچه در همه ابعاد دین دارای تلاش وافر و اثربخش هستند اما نباید احساس کفایت و بی‌نیازی کنند دلیل این مطلب این است که اگر احساس فقر، نادانی، ناداری و کمبود و احساس عطش و نیاز کنند باید برای زائل شدن تشنگی خود به دنبال آب گوارا روانه شوند و به جستجو برخیزند. و اگر نرفتند معلوم است که در این امر به حد کفایت و بی‌نیازی رسیده اند که تشنگی احساس نمی‌کنند.

این موضوع در همه ابعاد مذهب دارای ویژگی خاص و اولین و بهترین مرتبه عبادت است که تأکید می‌فرمایند «شناخت به امام هر زمانی» اولین نشان این معرفت آن است که پی به جای خالی ایشان ببریم و خلاء و سنگینی غیبت را احساس بکنیم و سپس برای رهایی از این مصیبت و مشکل عظیم گامی برداریم که معرفت ما در صورتی به حقیقت راستی می‌پیوندد که از زبان به عمل درآید.

### **معرفت به امام، شاه کلید نجات**

آن مطلبی که در دین حتی فراتر از مقام دعا و توجه قلبی است و از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است مسئله معرفت‌الامام است که هر مومنی باید با پوشیدن لباس معرفت زشتی‌های بدن را ستر نموده و زیبایی خود را

دو صد چندان نمایان سازد. در واقع معرفت به امام عصر است که باعث می شود انسان انتظار آمدنش را بکشد و با تصحیح اعمال، خود را مهبیای ظهورش کند. و از سر اشتیاق جامعه را به سوی او سوق دهد.

وَالْمُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ. (1)

کسانی که منتظر ظهور او می باشند برتر از مردمان هر زمان دیگر هستند زیرا خدای تبارک و تعالی به آنها آنقدر عقل، فهم و معرفت عطا فرموده...

در روایت کلید اصلی مرگ جاهلیت را نیز عدم معرفت به امام بیان فرمود.

"من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة"

چون کسی که معرفت به امام زمان نداشته باشد نه عملش اصلاح می شود و نه از شر آفات دینی و دنیوی به آن حضرت پناه می برد. سر انجام او مرگ جاهلی است.

با داشتن چنین معرفتی مصداق این روایت گرانها قرار می گیرند:

خداوند در دین ارکانی دارد که اگر کسی نسبت به این رکنها معرفت نداشته باشد عبادت های زیاد او برای او سودی نخواهد داشت و اگر کسی شناخت صحیح داشته باشد می آنه روی او در عبادت ها به او ضرری نمی زند و هیچ کس جز به یاری و کمک خدای عزوجل به آن معرفت صحیح راه پیدا نمی کند. (2)

که از ارکان مهم و اولیه دین ذوات مقدس ائمه معصومین (علیهم السلام) می باشند

«وَأَرْكَانًا لِيُؤْحِيدهُ».

ص: 56

---

1- بحار الأنوار، ج 52، ص 122 - منتخب الأثر، ص 244 - الزام الناصب، ص 68.

2- بحار الأنوار، ج 1، ص 209.

حال اگر معرفت و محبت به حد کافی در وجود مومن تبلور پیدا نکند پیمودن راه دین برای وی بسیار سخت خواهد شد

از ابتدایی ترین ثمره معرفت قدر دانی از نعمت عظمای ولایت است و مهمترین نوع سپاسگزاری از نعمت همانا محبت و سپس تعظیم و خضوع در برابر آن است به اینکه بدانیم حضرات معصومین (علیه السلام) به خاطر دستگیری و هدایت و فیض دهی و رسانیدن بشر به بهشت ابدی و به وجود آوردن و تربیت قابلیت ها برای پذیرش انوار و برکات و رحمت حق تعالی از عالم نور لباس بشریت پوشیدند تا ما بتوانیم با دیدن چهره خدایی و رفتار و کردار نیکو و روش عبادت آنها، بندگی حق تعالی را از طریق گوش دادن به سخنانشان و دیدن رفتارشان و مانوس بودن با ایشان و با فراگیری و عمل نمودن به فرموده هایشان بیاموزیم و به سعادت حقیقی و مقصد خلقت و نعمت های وصف ناپذیر و شگفت انگیز بشری دست یابیم و از کرم و احسان انوار مقدّسه محمّد (علیه السلام) و آل محمد (علیهم السلام) در هنگام زیستن در دنیا به وسیله توسّل و استغاثه رفع نیازمندی ها و دفع مشکلات و بلاها نماییم و سپس و سپاسگزاری از این نعمت عظمای و هدایت و رهبری که به ما ارزانی گشت.

خدای تعالی می فرماید:

(وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً). (1)

خدا نعمت های ظاهری و باطنی خود را بر شما به تمام کمال رساند.

ص: 57

---

1- سوره لقمان، آیه 20.

امام کاظم (علیه السلام) نعمت باطنی را امام غایب معرفی و می فرمایند:

يَغِيبُ عَنْ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصَهُ وَلَا يَغِيبُ عَنْ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرَهُ.

شخص ایشان از چشم های مردم پنهان می شود؛ ولی یاد او از دل مؤمنان پنهان نمی گردد. (1)

مرحله بعدی قدردانی از نعمت گرامیداشت آن در دل و افکار است به اینکه به عنوان سپاس از نعمت، یاد امام (علیه السلام) را در دل زنده نگه می دارند که متأسفانه منکرین و معاندین بر اثر حسادت ها و کبرهای درونی به جای سپاس و تشکر، این نعمت ولایت را نادیده گرفتند و به مرکز وحی هجوم بردند و پرچم هدایت را از دستشان ربودند و به عنوان کفران نعمت لگدمال کردند و این ذوات مقدسه، متحمل این همه بلاها شدند تا همه خلایق در دنیا به سعادت و در آخرت به بهشت جاودانه دست یابند و آنها در این دنیا قطعه قطعه شدن و رنج و محنت و اسیری را به جان خریدند، فرزندانشان را پیش چشمان خواهران و مادران و کودکان در روز عاشورا سر بریدند و خیمه هایشان را آتش زدند، تا تو محبّ امام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) با زن و فرزندان به آسایش و آقایی در دنیا و در آخرت به نعمت ابدی برسی.

معنای جود و کرم را فقط این خاندان توانستند هویدا سازند که یک نمونه اش زندانی شدن امام موسی کاظم (علیه السلام) است.

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ غَضِبَ عَلَى الشَّيْعَةِ فَخَيْرَنِي نَفْسِي أَوْ هُمْ فَوْقَهُمْ وَاللَّهُ بِنَفْسِي. (2)

ص: 58

1- کمال الدین، باب 34، ح 6.

2- امالی صدوق، 210، ح 19، مجلس 29 - مناقب ابن شهر آشوب.

همانا خداوند به خاطر گناه شیعه بر آنها غضب کرد و مرا مخیر نمود که عقوبت را من از طرف آنها تحمّل کنم و یا خود آنها عقوبت شوند به خدا قسم آن را به جان خود خریدم و شیعیان را حفظ کردم.

## دوست داشتن همراه با عمل

پس باید محبت و علقه را با عمل ممزوج کرد و اگر غیر از این باشد باید قبول کنیم این دوستی ما هنوز به فعلیت و به مرحله صداقت نرسیده است چون در مصائبشان گریه ها می کنیم و فریادها می زنیم و ادعا می کنیم شما خاندان را دوست می داریم در صورتی که اینها صرف لقلقه ی زبان است و به موازات این ادعا، عملی مساوی و همگام و یا هم وزن این محبت چیزی بروز نمی دهیم و یکی از شواهد این امر این است که چون شنیدیم (مثل اینکه دیدیم) این عزیزان را زدند و کشتند و اسیر کردند و به ضعف کشاندند؛ ولی ما برای یاریشان بدون حرکتی و عملی دست روی دست گذاشته و با آسایش در مکانی راحت نشستیم و بدون اضطراب و وحشت و نگرانی با خیالی آسوده، شکمی سیر بدون اذیت و آزار از تشنگی و عطش کشنده و اهل و عیالاتمان هم در نهایت آسودگی و امنیت و عزت و احترام و تکریم به راحتی در مجالس به گریه و زاری میپردازیم و پس از آن هم به برکت امام حسین و مجالس عزا بهترین اکرام و اطعام مهیا می باشد. (البته این گریه ها و اندوه ها خود بزرگترین عبادت است.)

معصوم (علیه السلام) می فرموده اند:

آگاه باشید به درستی که بندهای نیست که ما اهل بیت (علیهم السلام) نزد او یاد شویم پس به خاطر یاد کردن از ما دلش بلرزد و در قلبش احساس رحم و رقت کند مگر آنکه ملانکه پشتش را می نوازند و خداوند همه گناهانش را می بخشاید، مگر آنکه به گناهی دست بزند که از ایمان خارجش کند. (1)

با این همه فضائل و پاداش در مورد ندبه و گریه برای امام حسین (علیه السلام) نمی تواند این امر مهم را کفایت کند. باید بلند شد و سلاحی برداشت و به یاریشان شتافت وقتی اعانت مؤمن کمک به خداست حال بنگر یاری امام چقدر اهمیت خواهد داشت.

ائمه اطهار (علیهم السلام) فرموده اند:

هر حقی که بر خدای تعالی است برای ما اهل بیت نیز همان حق است.

و چون زمینه جهاد و یاری به اسلام مهیا نیست به باطن و حقیقت سلاح و جهاد باید پناه برد و از این سلاح برای یاری امام وقت استفاده نمود که فرموده اند:

سلاح مؤمن همانا دعای اوست و باید در قالب های مختلف و با استفاده از روشهای تعلیم و تربیت به ترویج فرهنگ انتظار در افکار عمومی جامعه شیعه پردازیم و اگر تلاش جهت تشریف فرمایی وجود مقدس امام حرکتی اتخاذ نمودیم و منابر و سخنرانی ها و کتاب ها و... را پیرامون مهدویت و اهمیت دعا

ص: 60

---

1- در ضیافت ضریح، ص 420 به نقل از تأویل الآیات الظاهره، ص 387 - مکیال المکارم، ج 2، ص 4.

کردن قرار دادیم بدانید که بزرگترین و اعظم عبادات الهی را به جا آورده ایم.

اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ مِنْ أَكْثَرِ الْعَمَلِ. (1)

انتظار ظهور از بزرگترین اعمال است.

به این طریق دوستی و محبت را که تا کنون فقط صرف زبان و گریه برای مصائبشان بوده در عمل نیز ظاهر نموده و یاری و کمک خود را بروز داده ایم.

مضافاً بر این که دعا و یاد کنندگان حضرتش به چه مقامات و پاداش هایی نائل خواهد گشت و مدال مجاهدین حقیقی را از آن خود خواهند نمود.

وَجَعَلَهُمْ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ بِالسَّيْفِ! أُولَئِكَ الْمُخْلَصُونَ حَقًّا وَشِيعَتُنَا صِدْقًا. (2)

خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده که در محضر رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) شمشیر بزنند. آنها مخلصان حقیقی و شیعیان واقعی هستند.

پس از مرگ نیز ارمغان و امتیاز آن مقام والای شهادت در رکاب امام معصوم است.

امام زین العابدین (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَلَا يَتَنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلٍ

ص: 61

---

1- منتخب الاثر، ص 244.

2- يوم الخلاص، ج 1، ص 371.

کسی که در زمان غیبت قائم ما (علیه السلام) نیز بر ولایت ما ثابت و استوار بماند خداوند به او پاداش هزار شهید از شهیدان بدر و اُحد عطا می فرماید.

آری! درخت محبّت و مودّت اهل بیت (علیهم السلام) اگر با دعا برای فرج امام عصر (علیه السلام) آبیاری شود. میوه آن همانا رهایی و آزادی و رسیدن به دنیای پر از صفا و خرمی امام زمان (علیه السلام) است که انشاءالله حاصل این درخت همانا ظهور گرامی و مسعود والا- حضرت همایونی امام مهدی (علیه السلام) می باشد و اگر هم خدای ناکرده عمر ما کفاف نکرد و ظهور را در روزگار خود درک نکردیم مصداق این روایت می شویم:

هر کسی از شما در حالی بمیرد که امامش را شناخته باشد تقدّم و تأخّر این امر به او آسیبی نمیرساند. کسی که با شناخت و معرفت امامش از دنیا برود همانند کسی است که در خیمه ی حضرت قائم (علیه السلام) با او باشد. (2)

### امام حسین (علیه السلام) کشتی نجات

از راه های مهم آشتی با امام و ورود به عرصه دعا برای فرج مولا (علیه السلام) و نجات از غرقاب امواج خروشان حوادث؛ کشتی نجاتی بسیار سریع به نام حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) باید استفاده کرد که بهترین راه تقرّب به حق

ص: 62

---

1- کشف الغمه ج 3، ص 312 - منتخب الاثر، ص 513 - الزام الناصب، ص 137.

2- غیبت نعمانی، ص 102، ینایع المودة، ج 3، ص 110.

تعالی نیز همین است.

بهترین گزینه برای خلائق اظهار خضوع و محبت و توسل به وجود مبارک امام حسین (علیه السلام) می باشد که در روایات اسلامی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است.

راوی از حضرت رضا (علیه السلام) سؤال می کند آیا همه شما اهل بیت (علیهم السلام) کشتی نجات نیستید؟ فرمود: آری هستیم. عرضه داشت: چگونه است که در روایت نبوی فقط سید الشهداء (علیه السلام) کشتی نجات معرفی شده است؟ فرمودند:

كلنا سفن النجاة و لكن سفينة الحسين اوسع و اسرع.

همه ما ائمه (علیهم السلام) کشتی نجات هستیم، و لیکن کشتی امام حسین (علیه السلام) وسیعتر و پر سرعتتر است.

در واقع هر مؤمنی برای رسیدن به حق تعالی باید خود را در این دریای رحمت خاصه امام حسین (علیه السلام) غوطه ور سازد که آن بزرگوار محلّ بروز فیوضات خاصه پروردگار عالم است هر محیی به تناسب محبت و قابلیت، رحمت خاصه را از آن خود می کند که یکی از علامات آن رحمت و مغفرت همانا حزن دل و اشک چشم است که کلید درب ابواب خاصه حق تعالی می باشد.

از شروع خلقت جناب حضرت آدم (علیه السلام) حق تعالی فیض سرشار و بیپایان و مخصوص خود را که در لابلای مصائب عاشورا نهفته بود بر حضرتش متذکر و یادآور شدند و ایشان هم بخاطر مقام پیغمبری و نور ولایت که در نهاد و صلبشان بود این فیض گرانقدر را دریافت

ص: 63

نمود و بر مصائب امام حسین (علیه السلام) گریست و آن وقتی که حضرت آدم (علیه السلام) نظر نمود به ساق عرش و اسماء خمسه آل عبا را دید و جبرئیل او را تلقین می نمود که بگو:

يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ (صلی الله علیه و آله وسلم) يَا عَالِي بِحَقِّ عَلِيِّ (علیه السلام) يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ (علیها السلام) يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ (علیه السلام) وَيَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام).

و چون اسم امام حسین (علیه السلام) را ذکر نمود اشکش جاری گردید و دلش شکست، پس گفت ای برادر جبرئیل! چرا در وقت ذکر این اسم شریف قلب من می شکند و اشکم جاری می گردد؟

پس حضرت جبرئیل مصیبت عظمای آن حضرت را بیان نمود ملائکه ای که در آن جا حاضر بودند با آدم شنیدند و گریستند چرا که جبرئیل بیان داشت:

ای آدم! این فرزندت مبتلا خواهد شد به مصیبتی که همه مصائب دنیا در برابرش کوچک است در حالی کشته می شود که با لب تشنه، بیکس و تنها باشد و هیچ معین و یاور نداشته باشد. و اگر ببینی او را که می گوید «داد از تشنگی» «فریاد از کمی یاور» به نحوی که تشنگی باعث شود آسمان را مانند دود بنگرد و هیچ کس او را اجابت نکند مگر به ضرب شمشیر. پس او را مانند گوسفند ذبح کنند ولی از قفا و اسباب او را به غارت برند، زنها و کودکان را با سرمای بریده در شهرها بگردانند... (1)

تا موقعی که خون و گریه بر امام حسین (علیه السلام) باقیست فیض حق

ص: 64

هم جاریست و امتداد پیدا می کند تا در عرصه قیامت به وسیله پیراهن خونین به روی دست های مادر مظلومه اش و نهایت اثرات این حزن، دخول در جنّات نعیم می باشد.

نمونه هایی هم از جناب ابراهیم خلیل الله و موسی کلیم الله و عیسی و... در روایات که حاکی از مبتلا شدن به حزن شدید برای اباعبدالله است موجود است.

از راه هایی که می توان تحت رحمت خاصه حق تعالی از طریق اباعبدالله قرار گرفت آن است که حدّ اقل هر روزه به یاد جدّش گریان باشد که این یاد از حسین (علیه السلام) ذکر و یاد بزرگ خداست.

سپس بدان در زمان حزن و اندوه بر مصائب اهل بیت (علیهم السلام) مخصوصاً امام حسین (علیه السلام) دل بیت الله و حرم الله می شود که وجه الله در آن مسکن می گزیند و آن زمان که دل مسکن خدا گشت شرائط دعا کاملاً مهیا از برای استجاب است و بهترین مصداق «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» که تحت قبه امام حسین (علیه السلام) است که حتماً انشاء الله دعا به امضاء استجابت میرسد و بر اساس حکمت الهی به ساعت و روز معین حاجت برآورده می گردد و همگان امضاء را خواهند گرفت و چون زمینه دعا به وسیله حزن و گریه بر امام حسین (علیه السلام) فراهم گشت بدان که باطن و حقیقت استغفار و توبه و حمد و تسبیح واقعی نیز آشکار می گردد.

## عظمت گریه بر سید الشهداء (علیه السلام)

کدامین استغفار قدرت محو جمیع گناهان را در عرض چند دقیقه می تواند داشته باشد.

مرحوم شیخ شوشتری طبق روایات می گوید:

گرفتن شخص و بردنش به جهنم از اعظم احوال و اشدّ احوال است و آن است فزع اکبر و گریه بر امام حسین (علیه السلام) دافع آن است. [\(1\)](#)

امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند:

هر چشمی بر مصیبت امام حسین (علیه السلام) بگرید اگر چه به قدر بال مگسی باشد [\(2\)](#) خداوند گناهان او را بیامزد اگر چه به قدر کف دریا باشد - یک قطره آن حرارت جهنم را خاموش می کند. [\(3\)](#)

از برای هر عمل ثواب محدودی است مگر اشک بر امام حسین (علیه السلام) که اجرش را نهایی و حصری نیست که بهترین تسبیح و تهلیل خدا همانا محزون گشتن در مصیبت اهل بیت (علیه السلام) می باشد.

معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَطْمِنًا تَسْبِيحٌ.

نفس کشیدن شما در غم و مصائب ما (ظلم هایی که به ما رسید)

ص: 66

---

1- خصائص الحسينيه، شيخ جعفر شوشتری از بحار الأنوار 45/207 - كامل الزيارات باب 26 ص 81.

2- خصائص الحسينيه، ص 267.

3- بحار الأنوار 44/290 - كامل الزيارات، باب 26، ص 81.

کدامین عبادت برتر از توجّه دل به وجه الله و محزون گشتن در مصیبت ثارالله که ذات حق از صورت و جسم و خون منزّه است.

بلکه انواری آفرید و لباس بشریت به ایشان پوشانید و صورت خویش و خون خویش و... قرار داد و هرکس خواست صورت خدا و خون خدا را ببیند پس نظر کند به این انوار چهارده گانه که اجمال معرفت به نورانیت و باطن ائمه اطهار (علیهم السلام) در این حدیث هویدا است.

امام موسی کاظم (علیه السلام) در حدیثی بسیار جالب و دقیق می فرماید:

خداوند تبارکت و تعالی نور حبیب خود محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را از نوری آفرید که آن را از نور عظمت و جلال خود شکافته و آن همان نور الهی است که در طور سینا برای حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) ظاهر شد (که قضیه حضرت موسی و این نور در دعای سمات مطرح گردیده) و درخشید و او توان دیدنش را نداشت، پس فریادی کشید و به روی زمین بیهوش افتاد.

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی اراده فرمود حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را بیافریند آن نور را دو بخش کرد، از بخش اول محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و از بخش دوم حضرت علی (علیه السلام) را آفرید و غیر این دو بزرگوار از آن نور نیافریده است. با دست قدرت خود آن دو را آفرید و از نفس خود در آن دو دمید و صورت آنها را تصویر نمود و آنها را امثال خود قرار داد. آن دو گواهان او بر آفرینش و جانشینان او در می آن خلایق و چشم بینای او بر مخلوقات و زبان گویای او در می آن مردمند. علم خود را در وجود آنها ودیعه نهاد و قدرت بیان به آنها

آموخت بر غیب و پنهانی و اسرار خود آنها را آگاه ساخت یکی از آن دورا نفس و دیگری را روح خود قرار داد. آن دورا مؤید یکدیگر ساخت به گونه ای که یکی بدون دیگری مقاومت و استواری ندارد.

ظَاهِرُهُمَا بَشَرِيَّةٌ وَبَاطِنُهُمَا لَاهُوتِيَّةٌ، ظَهَرَ لِلْخَلْقِ عَلَى هَيْأَتِ النَّاسُوتِيَّةِ حَتَّى يُطِيقُوا رُؤْيَتَهُمَا.

ظاهر آن دو به بشر و باطنشان به خدا منسوب و مربوط است. در می آن مردم به شکل مردمان این عالم ظاهر شدند تا تحمل دیدن آنها را داشته باشیم و این فرمایش خداوند است که فرمود:

(لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْسُونُ).

و همان لباس که مردمان پوشند بر آنان پوشانیم.

فَهُمَا مَقَامَا رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَحِجَابًا خَالِقِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، بِهِمَا فَتَحَ اللَّهُ بَدْءَ الْخَلَائِقِ وَبِهِمَا يَخْتِمُ الْمُلْكُ وَالْمَقَادِيرَ.

آن دو جانشینان پروردگار و حجاب خداوند یکتا می باشند، آفرینش را با آنها آغاز کرده و هستی و مقدرات را به آنها پایان بخشد.

سپس حضرت فاطمه (علیها السلام) را از نور محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) آفرید همان طور که نور محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را از نور خود اقتباس کرد و از نور فاطمه (علیها السلام) و علی (علیه السلام)، حسن (علیه السلام) و حسین (علیه السلام) را آفرید مثل نوری که از چراغها می توان اقتباس کرد. اینها از نور آفریده شده اند و از نسلی به نسل دیگر و از صلب پدر به پدر دیگر و از رحم مادری به مادر دیگر منتقل شده اند، نه اینکه از آب گندیده و نطفه ی پست نجس باشند بلکه نوری هستند که از صلب های پاک به رحم های پاکیزه منتقل شده اند، به خاطر اینکه ایشان برگزیده برگزیدگان و جوهر جواهرند.

إِصْطَفَاهُمْ لِنَفْسِهِ [وَجَعَلَهُمْ خُزَّانَ عِلْمِهِ، وَبَلَّغَاءَ إِلَى خَلْقِهِ أَقَامَهُمْ مَقَامَ نَفْسِهِ] لِأَنَّهُ لَا يُرَى وَلَا يُدْرَكُ وَلَا تُعْرَفُ كَيْفِيَّتُهُ وَلَا إِنِّيَّتُهُ.

آنها را برای خود انتخاب کرده و برگزیده و خزانه دار علم و دانش خود و ابلاغ کننده پیغام خود به خلق قرار داده، آنها را به جای خود نشانده، زیرا او دیده نمی شود و درک نمی گردد و چگونگی و مکان برای او شناخته نمی شود.

فَهُؤُلَاءِ النَّاطِقُونَ الْمُبَلِّغُونَ عَنْهُ الْمُتَصَرِّفُونَ فِي أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ فِيهِمْ يَطْهَرُ قَدْرَتُهُ وَمِنْهُمْ تُرَى آيَاتُهُ وَمُعْجَزَاتُهُ، وَبِهِمْ وَمِنْهُمْ عَرَفَ عِبَادُهُ نَفْسَهُ، وَبِهِمْ يُطَاعُ أَمْرُهُ.

اینها از طرف او سخن می گویند و پیام او را می رسانند و دستورات و نواهی او را بازگو می کنند، پس به سبب آنها خداوند قدرت خود را آشکار کرد و نشانه ها و معجزاتش را نشان داد و بندگانش را با خود آشنا نمود و توسط ایشان فرمان او اطاعت می شود.

وَلَوْلَا هُمْ مَا عَرَفَ اللَّهُ وَلَا يُدْرَى كَيْفَ يُعْبَدُ الرَّحْمَنُ.

اگر ایشان نبودند خداوند شناخته نمی شد و فهمیده نمی شد که چگونه او را عبادت کنند و خداوند است که امر خود را آن طور که بخواهد اجرا می کند.

(لَا يُسْتَلُّ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْتَلُّونَ). (1)

ص: 69

از آنچه او انجام می دهد سؤال نمی شود و مردمند که بازخواست می شوند و از آنها سؤال می شود. (1) (2)

پس بدان هدف از خلقت چیزی جز عبودیت خدای تعالی و توجه به انوار مقدس چهارده گانه و محزون گشتن از برای مصائب عاشورا نبود که این توجه به ائمه اطهار (علیهم السلام) یاد و ذکر عبادی حق تعالی هستند

پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

مَنْ آمَنَ بِنَا آمَنَ بِاللَّهِ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْنَا رَدَّ عَلَى اللَّهِ، وَمَنْ شَكَ فِينَا شَكَ فِي اللَّهِ وَمَنْ عَرَفْنَا عَرَفَ اللَّهَ، وَمَنْ تَوَلَّى عَنَّا تَوَلَّى عَنِ اللَّهِ وَمَنْ أَطَاعَنَا أَطَاعَ اللَّهَ.

کسی به ما ایمان بیاورد به خدا ایمان آورده و کسی که ما را رد کند خدا را رد کرده، کسی که در مورد ما تردید و شک کند به خدا شک کرده، کسی که ما را بشناسد خدا را شناخته، کسی که از ما رویگردان باشد از خدا رویگردان شده و کسی که از ما اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است. (3)

و هر کس در هر لحظه و مکانی با سوختن در آتش مصائب عاشورا هدف از

ص: 70

---

1- القطره، ج 1، ص 97 - بحار الانوار 28/35 ح 24 - تفسیر برهان 3/193 ح 7 به نقل از تأویل الآیات 1/397 ح 27.

2- و از خوانندگان گرامی تقاضا می شود جهت فهم و درک بیشتر مقامات نورانی ائمه اطهار (علیهم السلام) این حدیث بسیار گرانبها را چند بار مرور نمایند و در صورت تمایل برای کسب معرفت به حقایق و مقامات و تفصیل اسماء الله و جه الله و... و اثبات احیاء و اماته و رزق و خلق به دست ائمه اطهار (علیهم السلام) به کتاب «امام عصر (علیه السلام) در انتظار ما، چاپ نشر حاذق» رجوع فرمایند.

3- بحار الانوار 22/325 ح 38.

خلقت را آشکار می کند که این مصیبت ها که از بطن ولایت است اصل، و بقیه ی مراحل عبادی فرع آن است.

معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

هیچ چیز (از لحاظ اهمیت و ارزش) پس از معرفت با نماز برابری نمی کند و پس از آن زکات، روزه، حج و... برابری نمی کند. (بدان) آغاز و ابتدای همه اینها ولایت و پایان آنها هم ولایت ما می باشد. (1)

و این گفته نه بدان معناست که نماز یا روزه و... پایین یا بالاتر از حزن و گریه بر مصائب است بلکه امتیاز و نورانی شدن هر عملی با یاد وجه الله و ثارالله ممتاز می گردد.

امام کاظم (علیه السلام) فرمودند:

يُعْظَمُ ثَوَابُ الصَّلَاةِ عَلَى قَدْرِ تَعْظِيمِ الْمُصَلِّيِّ عَلَى أَبِيهِ الْأَفْضَلَيْنِ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَعَلِيِّ (عليه السلام). (2)

ثواب نماز به اندازه تعلیم و احترام نمازگزار نسبت به دو پدر برتر خود یعنی محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) و علی (عليه السلام) بیشتر می شود.

### غم های امام عصر (علیه السلام)

پس هرکسی باید خود را به مرکزیت و محور آفرینش برساند تا هدف از

ص: 71

---

1- بحار الأنوار ج 27 ص 202 ح 71 از امالی طوسی.

2- القطره، ج 2، ص 23.

خلفتش هویدا گردد. یعنی باید مصالب روز عاشورا مانند لباس زیرین به تن نمود.

امام عصر (علیه السلام) فرمودند:

هر صبح و شام در مصیبت جدم گریانم، تا به حدّ خون ریختن از چشم.

اهمیت گریه بر امام حسین (علیه السلام) از این کلام معصوم هویدا می شود.

و در روایتی امام رضا (علیه السلام) می فرمایند:

أَفْرَحُ جُفُونَنَا. (1)

(عاشورا) پلک های ما را زخم نموده است.

### نکته بسیار مهم

اما سوالی که مطرح است اینکه آیا با گریه و ناله کردن در مصیبت امام حسین (علیه السلام) صدق محبت می کند؟ در صورتی که که طبق روایات و حکم عقل باید با زبان و مال و جان و خون یاری دهنده امام باشیم و زیرا گریه تنها، کفایت این امر بزرگ را نمی کند چرا که اظهار محبت و دوستی به عمل نمودن ظاهر می شود چنان که ابن ابی الحدید سنی هم در مصیبت امام حسین (علیه السلام) می گوید:

هر آینه برای کشته شدن فرزندان پیغمبر به در سرزمین طف (کربلا) گریه ها کردم به حدّی که تمام اعضای من مانند چشم گریسته اند. (2)

ص: 72

---

1- بحار الأنوار، ج 44، ص 284.

2- این قصیده در کتاب کشکول عالم بزرگوار بحرانی 2/75 آمده است.

جایی که یک سَنّی این طور به حضرت اب‌عبدالله الحسین (علیه السلام) محبّت بورزد پس ما که خود را شیعه این بزرگواران می دانیم چطور باید در مصیبت امام حسین (علیه السلام) گریان باشیم. جالب توجّه اینکه او در همین قصیده از انتظار امام عصر (علیه السلام) و آرزوی یاری آن حضرت سخن به می آن آورده و می گوید:

می دانم که قطعاً و ناگزیر مهدی (علیه السلام) شما ظهور خواهد کرد و من همواره در آرزوی رسیدن به آن روز هستم. لشکری از لشکریان خداوندی (فرشتگان و نیروهای غیبی و مردم) او را یاری می کنند و مانند دریای خروشان روی می آورند و موانع را بر می دارند. از خاندان ابی الحدید هم امیدوارم با شمشیرهای بَرّان و نیزه های قوی در آن میدان حاضر و آماده باشند.

مردانی که آماده ی مرگ و پیشگام و در خط مقدم نبردند و همانند شیران بیشه شجاعت هرگز به خود ترسی راه ندهند. اینها آرزوی من است و تا به آنها نرسم، نفسم با من در نبرد و طائر شوقم در حال پرواز است.

وقتی یک عالم بزرگ سَنّی چنین محبّت و جان نثاری نسبت به سیّد الشّهدا (علیه السلام) و امام عصر (علیه السلام) از خود بروز می دهد آیا جای شرمندگی از برای من شیعه نیست؟ که هنوز نتوانسته ام تا به این حد در مصیبت امام حسین (علیه السلام) بسوزم که گویا تمام اجزاء من گریان است و آنچنان در انتظار آمدن مولایم باشم که برای رسیدن آن زمان جان را شجاعانه در پیشگاهش نثار کنم؟!!

و به اندازه ی ابن ابی الحدید نفسم و طائر شوقم در کوی او در پرواز باشد؟!!

بسی جای تأسف و شرمندگی که هنوز متدیّنین و بزرگان ما الفبای انتظار

را نمی دانند و خدا نکند روزی که ابن ابی الحدید سُنّی را در قیامت در برابر من شیعه حجّت قرار دهند!!

### پناهگاهی به نام امام عصر (علیه السلام)

این گونه روایات در حقیقت نحوه ارتباط قلبی با حجت خدا را که توسط انبیاء انجام گرفته به ما می آموزد که محور همه عبودیت ها و اظهار کوچکی و خضوع در برابر پادشاه عالمی آن باید قرار بگیرد و بدین طریق هر شیعه ای در برهه زمان باید باید ارتباط روحی داشته باشد و تشنگی روح خسته خود را با اظهار محبت به آن چشمه جوشان مهر سیراب نماید و به این طریق امامی که از دیده غائب است را همانند پدری مهربان که گم کرده با دیده قلب جست و جو کند تا لذت زندگی در این دنیا را با این ارتباط درک کند. چنانکه امام معصوم فرمودند:

هَلْ الْعَيْشُ إِلَّا هَذَا. (1)

آیا زندگی و خوشی و عیش چیزی جز یاد ماست.

پس به دلایل عقلی و نقلی باید به وسیله ارتباط قلبی امام غائب، جان تشنه را سیراب می سازد و از برای حادثه های دنیوی و اخروی پناهگاهی تهیه دید. مؤمن برای جذب همه خوبی ها و دفع هر پلیدی باید در طول بیست و چهار ساعت حدّ اقل 10 دقیقه را برای ارتباط با «وجه الله» که اعظم عبادات

ص: 74

است اختصاص دهد و این دل نیز توجّه پیدا نمی کند مگر به خضوع و خشوع و خاضع نمی گردد مگر به مصائب امام حسین (علیه السلام).

و با همین حالت انکسار، و با چشمی گریان برای فرج مولایمان صاحب الزّمان (علیه السلام) دعا کنیم سپس امام نیز طبق وعده ای که به دعا کنندگان خویش داده بود عمل خواهند نمود و به دعای ایشان، حق تعالی ابر رحمت و باران ولایت را بر سر ما فرود می آورد و از تمام پلیدی ها و تاریکی ها پاک می شویم و قابلیت استفاده خاصه از خورشید عالم تاب امامت مهدی (علیه السلام) را پیدا خواهیم کرد و در این توجّه که با شکستن قلب از مصیبت امام حسین (علیه السلام) حاصل شده است با ذکر «یا صاحب الزّمان» «یا بن الحسن من لی غیرک» و یا فرازهایی از دعای ندبه مثل «عزیز علی آری الخلق...» «یا لیت شعری این ستقرت بک النوی...» یا... «این وجه الله الذی منه یوتی»، و اشعاری در فراق با وصف آن حضرت دل را متوجّه آن وجود مقدّس کنیم. این عمل باب آشتی را باز خواهد نمود و آتش محبّت را شعله ور خواهد ساخت.

و خوشا به حال آنان که یاد آن امام عزیز را در راحتی ها و آسایش در طول شبانه روز با ارتباط قلبی و اظهار محبّت و فراق، ملکه خود گردانیدند و پناهگاهی امن از اعتقادات فاسده و حوادث زمینی و آسمانی برای خود اختیار کرده اند و عالیترین مقام بندگی حق تعالی را در عصر غیبت بدست آوردند و بر عکس گروهی که به این پناهگاه محکم و دژ استوار پناهنده نشدند در فتنه ها و پیشامدها هلاک گشتند.

آیا مروت و جوانمردی همین است که از برای یاری و به محکمه کشیدن غاصبین حرکتی نداشته باشیم و اکتفا به گریه و ناله کنیم.

آیا این رسم دین داری و مردانگی است که شخصیتی چون حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) مورد ضرب و شتم های بی رحمانه قرار گیرند و در آن روز با حضرت امام امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به در خانه اصحاب پیغمبر بروند و فریاد مظلومانه و داد خواهی سر دهند ولی کسی ایشان را یاری نکند و همگان در کنج عافیت طلبی بخزند.

و آن ندا تا ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) ادامه خواهد داشت و این ندای مظلومانه حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) به گوش همگان می رسد و با فراهم نمودن بستر و زمینه محکمه (دادگاه) عدل الهی که همان روزهای اول ظهور است بر هر محبّ و شیعه ای الزام می دارد که به تلاش در زمینه مهدویت و ترویج آن مظلوم ترین شخص عالم را نصرت دهند و از این طریق است که هر کسی می تواند محبّت و ارادت خود را میزان و اندازه بگیرد.

و اگر این مظلومه و شهیده «آل الله» مادر ما بود وقتی که می دیدیم در می آن ده ها مرد وحشی و خشن مورد اهانت و ضرب و شتم، ضربه سیلی، شکستن پهلو، و میخ درب و... قرار می گیرد چه می کردیم؟

آیا اگر این ها بر سر پدر و مادر ما می آمد حقیقتاً برای انتقامش چاره ای نمی جستیم و یا با بی خیالی می نشستیم فقط برایش به عنوان تسلی و همدردی گریه می کردیم که قطعاً هر شخصی بر حسب عاطفه و وجدان و غیرت به انواع و اقسام مبارزه با دفاع متمسک می شد.

حال خود بسنجید چه مقدار حضرت صدیقه ی طاهره (علیها السلام) و حضرت امیر مؤمنان امام علی (علیه السلام) از پدر و مادرت عزیزتر و مصیبت و درد آنها از درد و

رنج و مصیبت پدر و مادرت بزرگتر است؟ و اگر در روضه ها، مصیبت و داغ حضرتش ناله و اشک شما را در آورد و از شدت حزن و ناراحتی برای خلاصی و رهایی از این غم به دعاهای فراوان از برای ظهور فرزندش پناه بردی تا این محاکمه و مؤاخذه هر چه زودتر اجرا گردد پس بدان که ایمان تو از لقلقه ی زبان که همان گریه و ناله است با یاری و نصرت به این خاندان فراتر رفته و به این طریق شمشیری از برای یاری دادن امام وقت خود برداشته و بانوی مظلومه را امداد و اعانت کردیدی. و با این عمل در جمع عزاداران واقعی حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) وارد شده اید. پس بدان دین جز اظهار بغض و محبت نیست.

هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ؟ (1)

آیا دین چیزی جز دوستی و دشمنی است؟

که مودت و محبت تا به عمل در نیاید همان شعار است و دیدن و مشاهده ضرب و شتم صدیقه طاهره (علیها السلام) و نشستن و حرکت نکردن و خدای ناکرده ما را هم در زمره همان انصار و مهاجری قرار می دهد که آن و بانوی بزرگوار برای نصرت دین خدا از آنها کمک خواست ولی او را یاری نکردند و یک گوشه ای نشستند و نگاه کردند.

حال کسانی که نتوانند به این عمل عظمی (دعای فرج و یاد امام عصر (علیه السلام)) پردازند همان مردودشدگان عصر حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) می باشند که ایشان به عنوان حامل انوار الهی انتخاب گشتند و از ناحیه حضرت باری

ص: 77

---

1- تفسیر فرات، ص 428، ح 567 - بحار الأنوار، ج 68، ص 63، ح 114 - الکافی، ج 8، ص 79، ح 35.

تعالی از عالم لاهوت به عرصه خاکی به شکل بشریت ظاهر شدند که درباره اش فرموده اند:

إِنَّ فَاطِمَةَ (عليها السلام) خُلِقَتْ حُورِيَّةً فِي صُورَةِ إِنْسِيَّةٍ. (1)

به راستی حضرت فاطمه (علیها السلام) فرشته ای است که به صورت آدمی آن آفریده شده است.

و هِيَ الصَّادِقَةُ الْكُبْرَى وَ عَلَى مَعْرِفَتِهَا دَارَتِ الْقُرُونُ الْأُولَى. (2)

حضرت فاطمه (علیها السلام) بزرگترین راستگو و تصدیقگر آیات الهی و رسالت نبوت است (و شناخت و معرفت او محور و مدار افکار و اندیشه پیشینیان بوده) است.

و چرا این بزرگ عالمی آن باید محور افکار ادیان گذشته باشد. یکی از دلایلش این روایت گرانقدر است.

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) از قول حق تعالی فرموده اند:

لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمة (علیها السلام) بین لما خلقتکما. (3)

اگر به خاطر وجود تو (پیامبر (علیه السلام)) نبود عالم هستی را به وجود نمی آوردم و اگر علی (علیه السلام) نبود تو را نمی آفریدم. و اگر فاطمه (علیها السلام) نبود هیچکدام از شما دو نفر را خلق نمی کردم.

پس بیا امروز آن نور مقدس را نصرت بدهیم و بگوییم: یا حضرت زهرا (علیها السلام)!

ص: 78

---

1- دلایل الامامة، 146، ح 52 - بحار الأنوار، ج 81، ص 112، ح 37.

2- القطره، ج 1، ص 409 از شیخ طوسی در امالی 668، ح 6، مجلس 36 - بحار الأنوار، ج 43، ص 105، ح 18.

3- القطره، ج 1، ص 418.

اگر آن روز نبودیم، شمشیری برای یاری شما برداریم، امروز صداقت یاری به شما شهیده مظلومه را با سلاحی به نام «دعا» اختیار می کنیم و با استفاده از این عمل زخم های دل شما بزرگ عالمی آن را تسکین می دهیم.

پس بیا ای جان برادر لحظاتی به فکر بنشین که یک ساعتش از هفتاد سال عبادت برتر است که هدف از خلقت را بیایی و به خاطر بیاور دیر یا زود بار بستن و شنیدن صدای «الرحیل الرحیل» مأموران عالم بعد از مرگ را و طی نمودن سفر پر فراز و نشیب و تاریکی تنهایی وحشتناک را که قلم و زبان یارای بازگوی حوادث بسیار تلخ بعد از مرگ و سختی جان کندن را ندارد و چشم بر هم بزنیم خود را در چنگال مرگ گرفتار خواهیم دید بدان که یکی سختی های عالم بعد از این دنیا سوال از نعمت است

(ثُمَّ لِنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ). (1)

در آن روز از نعمت پرسیده خواهید شد.

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرموده اند:

منظور از نعمت ما خاندان هستیم. (2)

متأسفانه بشر نتوانست این نعمت را گرامی بدارد چنانکه چنانکه امام معصوم (علیه السلام) فرموده اند:

ص: 79

1- سوره تکاثر، آیه 8.

2- حیوة القلوب، ج 5، ص 357 از مجمع البیان، ج 5، ص 535 - تأویل الآیات، ج 2، 152.

نَحْنُ أَهْلَ الْبَيْتِ مُكْفَرُونَ لَا يَشْكُرُونَنَا. (1)

ما اهل بیت مکفر (کفران شدن) هستیم چون شکر کارهای خوب ما ادا نمی شود.

در خاتمه آن چیزی که از این مطالب بدست می آید آنست که فرموده اند

فَجِدُوا، وَانْتَظِرُوا. (2)

تلاش کنید و انتظار بکشید.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَقَدْ كَمَلَ إِيمَانُهُ وَحَسَنَ إِسْلَامُهُ فَلْيَتَوَالَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ الْمُنْتَظَرَ (عليه السلام). (3)

کسی که دوست دارد خدا را با ایمان کامل و اسلام نیکو ملاقات کند باید ولایت امام منتظر را دارا باشد.

ولایت امام منتظر باید عملی گردد یعنی پس از کسب ورع هرروزه در کنج خلوت پس از گریه بر مصائب امام حسین (علیه السلام) از عمق وجود با ناله و ندبه فریاد برآریم:

اللهم عجل لوليک الفرج

اللهم عجل لوليک الفرج

اللهم عجل لوليک الفرج

اللهم عجل لوليک الفرج

اللهم عجل لوليک الفرج

ص: 80

---

1- علل الشرایع، ج 2، ص 247.

2- یوم الخلاص، ج 1، ص 386 - غیبت نعمانی، ص 106.

3- القطره، ج 1، ص 820 از صفوة الأخبار - بحار الأنوار، ج 27، ص 107، ح 80 و 36/296.



1. مشکاة الانوار، ابوالفضل على بن حسن بن فضل طبرسى (رحمة الله)
2. كافي، كليني (رحمة الله) محمد بن يعقوب - انتشارات اسوة چاپ 11 سال 1389
3. كنز العمال في نفس الاعمال والافعال، المتقى هندی - على بن عبد الملك علاءالدين مؤسسة الرسائل مصر 1409 (جماعت عامه)
4. وسائل الشيعة، حر عاملی محمد بن حسن - مؤسسة آل البيت لاحياء التراث قم چاپ اول
5. غرر الحكم، آمدی عبد الواحد - ترجمه محمد على انصارى - انتشارات حضرت امام عصر عج چاپ هشتم 1390
6. الخصال، صدوق - انتشارات فكر آوران 1384 هـ.
7. تفسير عياشى، ابوالنصر محمد بن مسعود بن عياش السلمى السمرقندى مكتب علميه اسلامى تهران
8. كامل الزيارات، جعفر بن موسى بن قولويه قمى - انتشارات پیامبر حق م

9. كمال الدين و تمام النعمه، صدوق (رحمة الله) محمد بن على بن حسين بابويه - انتشارات دار الكتب اسلامى قم چاپ دوم
10. اعلام الورى، امين الاسلام فضل بن حسن طبرى (رحمة الله) - دار الكتب الاسلامى تهران
11. مستدرک الوسائل، نورى ميرزا حسين - مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لاحياء التراث قم چاپ اول
12. علل الشرايع، محمد بن على بن حسين بن بابويه - انتشارات مكتبة الورى قم
13. تفسير حضرت امام حسن عسكرى (عليه السلام)، حضرت امام عسكرى حسن بن على (عليهما السلام) - انتشارات مدرسه حضرت امام هادى (عليه السلام) قم چاپ اول
14. تحف العقول، حرانى حسن بن شعبة - مؤسسة انتشارات اسلامى چاپ

15. ثواب الاعمال، شيخ صدوق (رحمة الله) - انتشارات راز توكل چاپ اول 1390
16. اختصاص، شيخ مفيد (رحمة الله) محمد بن نعمان
17. تنبيه الخواطر، ورام بن ابى فراس حلى (رحمة الله)
18. ارشاد، شيخ مفيد محمد بن نعمان (رحمة الله)
19. المحاسن برقى، ابو جعفر بن خالد برقى - مجمع عامى اهل البيت (عليهم السلام) 1413 هـ.
20. كنز الفوائد، ابوالفتح كراچكى - انتشارات دار الذخاير قم 1410 هـ.
21. معانى الاخبار، شيخ صدوق - تولد 311 هـ.ق، وفات سال 381 هـ.ق - سال انتشار (تهران، صدوق، 1379ق) و (قم، دارالعلم، 1379ق)
22. امالى طوسى (رحمة الله)، شيخ طوسى م 460 هـ.ق انتشارات دار الثيقاف قم 1414 هـ.ق
23. المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء، فيض كاشانى، محمد بن شاه
- ص: 84

مرتضى - ناشر: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم محل نشر: قم سال نشر: 1376

24. امالى صدوق (رحمة الله)، محمد بن على بن حسين بن بابويه - انتشارات كتابخانه اسلاميه

25. الاعلام، شيخ مفيد محمد بن نعمان - چاپ كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد چاپ اول

26. اعلام الدين فى صفات المؤمنين، ديلمى، حسن بن محمد ناشر: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لاحياء التراث - محل و سال نشر: قم؛ 1366

27. معراج السعادة، ملا احمد نراقى

28. مجمع البيان، فضل بن حسن طبرى - انتشارات ناصر خسرو تهران 1406 هـ.

29. عيون اخبار الرضا (عليه السلام)، شيخ صدوق، مؤسسة انصاريان قم 1384 هـ.

ص: 85

30. من لا يحضره الفقيه، صدوق محمد بن علي بن حسين بابويه مؤسسة انتشارات اسلامي چاپ سوم

31. ارشاد، شيخ مفيد (رحمة الله) محمد بن نعمان

32. ارشاد القلوب، ديلمى، حسن بن محمد

33. التمهيص، سيد بن طاووس رضى الدين (رحمة الله)

34. الخصال، صدوق - انتشارات فكر آوران 1384 هـ.

35. المقنعه، شيخ مفيد (رحمة الله) محمد بن محمد - كنگره شيخ مفيد قم 1413 هـ.

36. بلغة الفقيه (4 جلد)، بحر العلوم، محمد بن محمد تقى - ناشر: مكتبة الصادق (عليه السلام) - محل نشر: تهران

37. مهج الدعوات و منهج العبادات، سيد بن طاووس دار الكتب اسلامية تهران 1416 هـ.

38. التوحيد و الشرك فى القرآن، نصير الدين طوسى، محمد بن محمد - ناشر: مؤسسة حضرت امام صادق (عليه السلام) - محل نشر: قم

39. مصباح الشريعة، مؤسسة اعلى للمطبوعات چاپ اول

40. احرام محرم، نيشابورى عبد الحسين - انتشارات دليل ما چاپ ششم 1389

41. مجموعۀ ورام، ورام بن ابى قزاس - انتشارات مكتبة فقيه قم

42. برهان، سيد هاشم بحراني (رحمة الله) - دار المجتبى قم 1428 هـ.

43. البرهان، الزركشي وفات : 794 - جماعت عامه سال چاپ : 1376 - 1957 م ناشر : دار إحياء الكتب العربية ، عيسى البابي الحلبي وشركاءه

44. الاحتجاج، طوسى احمد بن على - نشر مرتضى مشهد مقدس س 1403ق

45. الاحتجاج على اهل اللجاج، شيخ طبرسى

46. منهاج الصالحين (خويى (رحمة الله))، خويى، ابو القاسم - ناشر: مدينة العلم،

ص: 87

آیت الله العظمی السید الخویی (رحمة الله) محل نشر: قم

47. مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول (26 جلد)، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی - ناشر: دار الکتب الاسلامیة - محل و سال نشر: تهران ؛ 1363

48. سفینة البحار، قمی عباسی - موسسه آستان قدس چاپ دوم سال 1384

49. عصر زندگی، حکیمی محمد - انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه چ دوم 1374 قم

50. میزان الحکمه، ریشه‌ری محمد - انتشارات دار الحدیث چاپ اول

51. صفات و علامات متقین، حاجیانی دشتی عباس - انتشارات محلاتی 1378 قم

52. تفسیر جامع، حاج سید ابراهیم بروجردی - انتشارات انصار المهدی چاپ اول 1388

53. نقطه های آغاز در اخلاق عملی، مهدی کنی محمد رضا - انتشارات

ص: 88

54. القطره، سید احمد مستنبط - ترجمه محمد ظریف - نشر الماس نهم

55. چرا مرا آفریدند، حسن میلانی - انتشارات حضرت علی چاپ اول 1384 قم

56. رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام)، رساله حقوق حضرت امام سجاد (علیه السلام)

57. اسرار موفقیت، مجتهدی سیستانی مرتضی انتشارات نشر الماس چاپ ششم 1385 ش

58. ترجمه کتاب المومن، حسینی نجومی مرتضی انتشارات بوستان کتاب قم چاپ 1382

59. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده

60. نصایح الکافیة، محمد بن عقیل علوی 1371 بنیاد بعثت تهران

61. نسیم هدایت، حسینی شیرازی سید صادق انتشارات برگ رضوان چاپ

62. یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث، مکارم شیرازی ناصر انتشارات دارالکتب اسلامیة چاپ چهارم 1386 تهران

63. کیش پارسایان، تهرانی مجتبی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ اسلامی چ سوم 1378 تهران

64. روایات تربیتی از مکتب اهل البیت (علیهم السلام)، فرید مرتضی - انتشارات نشر فرهنگ اسلامی چاپ 1377 تهران

65. در ضیافت ضریح، بنی هاشمی محمد - انتشارات منیر چاپ 1388 تهران

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

